Justice Administration of Tehran Province

Judgment

https://www.Ghazavat.org

Online ISSN: 3060-7809
Print ISSN: 1735-1227
Volum:25 – Issue:124
Winter 2026

Climate Litigation Against Carbon Emissions and Fossil Fuels From Lahore to The Hague and Its Impact on The Transition to Clean Energy

Valiollah Nasiri[1] | Saleh Rezaei Pishrobat[2] | Hojjat Salimi Turkmani[3]

1. Ph.D. Student in International Law, Islamic Azad University, Maragheh Branch, Maragheh, Iran. valinasiri58@yahoo.com , javan-j@um.ac.ir
2. Associate Professor, Nuclear Science and Technology Research Institute, Tehran, Iran. (Corresponding Author). srezaei@aeoi.org.ir
3. Associate Professor of Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. salimi@azaruniv.ac.ir

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:
2025/05/16
Received in revised form:
2025/10/14
Accepted:
2026/02/02

Keywords:
Renewable Energy, Paris Agreement, Damage, Net Zero Carbon, Environment

Abstract

Climate litigation constitutes a dynamic solution for addressing greenhouse gas emissions resulting from the combustion of fossil fuels. Although the framework of green adjudication has its origins in countries of the Global North, it has today become a common mechanism for addressing carbon emissions even in countries of the Global South, with its scope extending from the Lahore High Court of Pakistan to the International Court of Justice in The Hague. Employing a descriptive–analytical method, this study examines some of the most significant legal actions brought against major carbon emitters and pollution arising from fossil fuels, and seeks to address the question of how the expansion of climate litigation ultimately leads to the reform of undesirable patterns of energy production and consumption. The findings indicate that the expansion of climate litigation against fossil fuels has confronted governments and the world's largest oil companies with a decisive choice—namely, a transition to clean energy—since failure to do so will increasingly expose them to climate related legal claims. The results further demonstrate that climate litigation, by targeting major carbon emitters, accelerates the energy transition (from fossil fuels to clean energy sources), and that the judgments rendered in such cases, due to their persuasive authority and evidentiary force, can play a decisive and effective role in transforming and correcting unsustainable patterns of energy production and consumption.

How To Cite	Nasiri,Valiollah, Rezaei Pishrobat, Saleh, Salimi Turkmani, Hojjat. (2026). Climate Litigation Against Carbon Emissions and Fossil Fuels From Lahore to The Hague and Its Impact on The Transition to Clean Energy. Journal of Judgment, 124(4), 1-27. http//doi.org/10.22034/judg.2026.2060755.1470
DOI	10.22034/judg.2026.2060755.1470
©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.
Publisher	Publications of the Judiciary of Tehran Province

آموزش دادگستری
استان تهران

فصلنامه قضاوت

https://www.Ghazavat.org

شاپای الکترونیکی: ۷۸۰۹-۳۰۶۰
شاپا چاپی: ۱۲۲۷-۱۷۳۵
دوره : ۲۵ ـ شماره: ۱۲۴
زمستان ۱۴۰۴

دعاوی اقلیمی علیه انتشار کربن و سوخت‌های فسیلی از لاهور تا لاهه و تأثیر آن در انتقال به انرژی پاک

ولی‌اله نصیری[۱] | صالح رضایی پیش‌رباط[۲] | حجت سلیمی ترکمانی[۳]

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ایران. رایانامه: valinasiri58@yahoo.com

۲. دانشیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: srezaei@aeoi.org.ir

۳. دانشیار گروه حقوق دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: salimi@azaruniv.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۰۲/۲۶
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۴/۰۷/۲۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۱۱/۱۳

کلیدواژه:
انرژی‌های تجدیدپذیر، توافق‌نامهٔ پاریس، خسارت، کربن صفر، محیط‌زیست.

چکیده

دعاوی اقلیمی راه‌حلی پویا برای مقابله با انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از احتراق سوخت‌های فسیلی است. سازوکار دادرسی سبز اگرچه ریشه در کشورهای جهان شمال دارد، امروزه حتی در کشورهای جهان جنوب نیز سازوکاری رایج برای مقابله با انتشار کربن است و دامنهٔ آن از «دادگاه عالی لاهور پاکستان» تا «دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه» کشیده شده است. این تحقیق با روش «توصیفی ـ تحلیلی» ضمن بررسی برخی از مهم‌ترین دعاوی علیه انتشاردهندگان کربن و آلودگی‌های ناشی از سوخت‌های فسیلی، درصدد بررسی این مسئله است که چگونه گسترش دعاوی اقلیمی سرانجام موجب اصلاح الگوی نامطلوب تولید و مصرف انرژی می‌شود؟ بر اساس نتایج تحقیق، گسترش دعاوی اقلیمی علیه سوخت‌های فسیلی، دولت‌ها و بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی جهان را با انتخابی سرنوشت‌ساز یعنی انتقال به انرژی‌های پاک مواجه کرده است، زیرا در غیر این صورت به‌طور فزاینده‌ای خود را درگیر دعاوی حقوقی اقلیمی خواهند یافت. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که دعاوی اقلیمی با هدف قراردادن انتشاردهندگان بزرگ کربن، موجب تسریع انتقال انرژی (انتقال از سوخت‌های فسیلی به منابع انرژی پاک) می‌شوند و آرای صادره در این پرونده‌ها به دلیل قدرت اقناعی و توان اثباتی می‌توانند در تغییر و اصلاح الگوی نامطلوب تولید و مصرف انرژی تأثیرگذار و قاطع باشند.

استناد

نصیری، ولی‌اله، رضایی پیش‌رباط، صالح، سلیمی ترکمانی، حجت. (۱۴۰۴). دعاوی اقلیمی علیه انتشار کربن و سوخت‌های فسیلی از لاهور تا لاهه و تأثیر آن در انتقال به انرژی پاک، فصلنامه قضاوت، ۱۲۴(۴)، ۱-۲۷.

http//doi.org/10.22034/judg.2026.2060755.1470

DOI 10.22034/judg.2026.2060755.1470

ناشر انتشارات دادگستری کل استان تهران

مقدمه

انتشـــار پنجمین گـــزارش هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی نشـــان داد که ســـوخت‌های فســـیلی، بزرگ‌ترین عامل تغییرات اقلیمی‌اند و کشورها سالانه ۵۱میلیارد تُن گاز گلخانه‌ای وارد جو می‌کنند (IPCC, 2014:250). چنیـــن وضعیتـــی این پرســـش را مطرح می‌کند که نظـــام بین‌المللی تغییرات اقلیمی، چه تدابیری برای مقابله با احتراق ســـوخت‌های فســـیلی و رسیدن عدد ۵۱میلیارد (مقدار فعلی گازهای گلخانه‌ای) به عدد صفر (کربن صفر خالص) اتخاذ کرده اســـت؟ مرور ادبیات تحقیق در زمینهٔ تغییرات اقلیمی نشـــان می‌دهد که پاسخ حقوق بین‌الملل تغییرات اقلیمی به معضل انتشار کربـــن علاوه‌بر پاســـخ معاهداتـــی و الزام دولت‌ها به «کاهـــش گازهای گلخانـــه‌ای» (Setzer and Vanhala, 2019: 12; Peel and Osofsky, 2018: 37; Klein and Huq, 2007: 745)، حمایت از طـــرح دعاوی اقلیمی به‌منزلهٔ مکمل نظام بین‌المللی تغییرات اقلیمی اســـت. دعاوی اقلیمی اگرچه مطابق اســـناد بین‌المللی ســـازوکاری پسینی است و پس از ورود آســـیب‌های محیط‌زیستی مطرح می‌شـــود، اما این ســـازوکار با به چالش‌کشیدن دولت‌ها و شرکت‌های نفتی به‌مثابهٔ ابزاری بازدارنده عمل کرده اســـت و در کاهش گازهای گلخانه‌ای نیز کارایی دارد. ســـازوکاری که «فیلیپ پایمنت» از آن با عنوان «اســـتراتژی غیرمستقیم مقابله با گازهای گلخانه‌ای» یاد می‌کند (Paiement, 2023: 281). در واقع تعهدات کاهشـــی دولت‌ها از طریق دعاوی اقلیمی حمایت و پشتیبانی شده است و در صورت منجرشدن به صدور آرای قضایی، نقش مؤثری در اصلاح الگوی تولید و مصرف انرژی دارد (Bodansky, 2017: 960).

دعاوی اقلیمی هرچند ریشـــه در کشورهای جهان شمال دارد، امروزه این پدیده در سراسر دنیا فراگیر شـــده است؛ به‌طوری که شاهد مطرح‌شدن چنین دادخواستی در دادگاه عالی لاهور پاکستان (پروندهٔ اصغر لغاری)[1] نیز هســـتیم. اما مهم‌ترین تحول در زمینهٔ دعاوی اقلیمی به‌منزلهٔ ســـازوکاری اثربخـــش برای مقابله با انتشـــار گازهای گلخانه‌ای، مطرح‌شـــدن این پدیده در دیـــوان بین‌المللی دادگســـتری لاهه، البته نه به‌شـــکل ترافعی، بلکه به‌صورت اخذ نظریهٔ مشـــورتی اســـت (UNGA Res, 2023: 3). انتخاب مســـیر مشـــورتی، به‌جای طـــرح دعوای ترافعی، مزایایـــی همچون تبیین تعهدات دولت‌ها، محدودنبودن رأی به طرفین دعوا و فقدان موانع شـــکلی و ماهوی دارد (Alter, ۲۰۲۱: ۳). بی‌تردید نظریهٔ مشـــورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، هشدار دیگری به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سوخت‌های فسیلی است که آن‌ها نمی‌توانند به‌طور معمول کار خود را ادامه دهند و باید به ســـمت انرژی‌های پاک تغییر مســـیر دهند (Preston, 2018: 131; Heidari and Pearce, 2016: 908).

1. Asghar Leghari v. Federation of Pakistan, W.P. No. 25501/2015, (2015).

هدف پژوهش

هدف از این پژوهش بررسی اصلاح الگوی تولید و مصرف انرژی در پرتوی دعاوی اقلیمی است. از آنجایی که در داخل کشـــور پژوهشـــی جامع در این زمینه وجود ندارد و حتی برخی نویسندگان بـــر این باورند که تقریبـــاً هیچ دعوایی مربوط به آثار تغییر اقلیم در نهادهای قضایی و شـــبه‌قضایی بین‌المللی وجود ندارد (راعی دهقی، ۱۴۰۳: ۱۰۲۵)، لازم و ضروری اســـت تا در پژوهشـــی جامع نشان داده شود که دعاوی اقلیمی، دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی را به گذر از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های پاک مجبور می‌کند.

پرسش پژوهش

با توجه به افزایش پدیدهٔ دعاوی اقلیمی این پرســـش مطرح است که آیا دعاوی اقلیمی توانسته‌اند الگوی جهانی تولید و مصرف انرژی را تغییر دهند؟

فرضیهٔ پژوهش

به نظر می‌رســـد افزایش دعاوی اقلیمی، دولت‌ها و بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی جهان را با انتخابی سرنوشت‌ســـاز یعنی انتقال از «انرژی‌های فسیلی» به «انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر» مواجه کرده اســـت؛ زیرا در غیر این صورت به‌طور فزاینـــده‌ای خود را درگیر دعاوی حقوقی مرتبط با تغییرات اقلیمی خواهند یافت.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیـــق در این نوشـــتار به‌صورت توصیفی با تأکید بر تحلیـــل آرای قضایی در زمینهٔ گازهای گلخانه‌ای اســـت. برای دسترســـی به آرای قضایی از گزارش ۲۷ ژوئن ۲۰۲۴، «مؤسســـهٔ تحقیقاتی گرانتـــام»[1] با عنوان «روندهای جهانـــی دعاوی اقلیمـــی»[2] (Sato et al, 2024: 55) و گزارش‌های متوالی برنامهٔ محیط‌زیست سازمان ملل از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ استفاده شده است (UNEP, 2023: 78). علاوه‌بر گزارش‌های بیان‌شده، برای دسترسی به دعاوی اقلیمی از اطلاعات «پایگاه دادهٔ مرکز ســـابین»[3] استفاده شده اســـت. در جدول ۱ نحوهٔ دسترسی به پرونده‌ها و آرای قضایی اقلیمی نشان داده شده است.

1. The Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment, Global trends in Climate Change Litigation: 2022 snapshot.
2. Global Climate Litigation Report, 2021, 2022, 2023 Status Review.
3. Sabin Center for Climate Change Law.

جدول ۱: گام اول (نحوهٔ دسترسی به پرونده‌ها و آرای قضایی اقلیمی)

ترتیب	منابع دسترسی به پرونده‌های اقلیمی	مجموع کل پرونده‌ها و آرای قضایی
۱	گزارش‌های گرانتام، یونپ، پایگاه دادهٔ مرکز سابین	۲۶۶۶ پرونده

پس از بررسی گزارش‌های گرانتام و یونپ و داده‌های مرکز سابین، ۲۶۶۶ پرونده مربوط به تغییر اقلیم از سراسر جهان شناسایی شد. علاوه‌بر محدودیت‌های زمانی، منابع و فنی (ترجمهٔ حقوقی و فنی آرای قضایی)، از لحاظ روش‌شناسی دامنهٔ تحقیق با تعدد دعاوی اقلیمی مواجه بود. با توجه به تعدد پرونده‌های اقلیمی مطابق جدول ۲، صرفاً آن دسته از دعاوی اقلیمی انتخاب شدند که خواستهٔ اصلی و موضوع پرونده‌ها مرتبط با «انتشار کربن»، «انتشار گازهای گلخانه‌ای» و «انرژی‌های فسیلی» بودند.

جدول ۲: گام دوم (شناسایی پرونده‌های اقلیمی براساس خواسته و موضوع دعاوی)

ترتیب	پرونده‌های مرتبط با سه کلید واژهٔ اصلی تحقیق	مجموع کل پرونده‌ها و آرای قضایی
۱	انتشار کربن، انتشار گازهای گلخانه‌ای، انرژی‌های فسیلی	۸۶ پرونده

بر اساس مطالعهٔ مقدماتی حداقل ۸۶ دادخواست اقلیمی در ارتباط با «انتشار کربن»، «انتشار گازهای گلخانه‌ای» و «انرژی‌های فسیلی» مطرح شده است. از سوی دیگر با کمک معیارهای مندرج در جدول ۳، سعی شد از ۸۶ پرونده ۳۰ مورد انتخاب شوند.

جدول ۳: گام سوم (معیار انتخاب پرونده‌ها و آرای قضایی)

ترتیب	معیار	پرونده‌ها و آرای قضایی
۱	بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کربن	چین (۱ پرونده)، آمریکا (۴ پرونده)، هند (۳ پرونده)، روسیه (۱ پرونده)، ژاپن (۳ پرونده)، آلمان (۱ پرونده)، کرهٔ جنوبی (۱ پرونده) و ایران (۱ پرونده)
۲	پرونده‌های موفق و منتهی به صدور حکم	فیلیپین (۱ پرونده)، پاکستان (۱ پرونده)، هلند (۲ پرونده)، ایرلند (۱ پرونده) و نیجریه (۱ پرونده)
۳	رعایت توزیع جغرافیایی و آرای نمایانگر رویکرد نظام‌های حقوقی جهان	نظام آفریقایی حقوق بشر (۱ رأی)، نظام اروپایی حقوق بشر (۴ رأی)، نظام آمریکایی حقوق بشر (۳ رأی)، دیوان بین‌المللی داگستری (۱ رأی)

به این ترتیب ۲۱ پرونده در سطح ملی و ۹ پرونده در سطح بین‌المللی بر اساس معیارهای مندرج در جدول ۳ انتخاب و بررسی شدند. آثار عملی دعاوی اقلیمی در انتقال به انرژی‌های پاک که بیشتر در «اصلاح و بازنگری قوانین داخلی» متجلی است از طریق شاخص عملکرد تغییرات اقلیمی[۱] (سی.سی.پی.آی) و ردیاب اقدامات اقلیمی (کات)[۲] مورد صحت‌سنجی قرار گرفته است.

۱. چهارچوب نظری: مبانی حقوقی تحلیل دعاوی اقلیمی

تغییرات اقلیمی به تعبیر برنامهٔ اقدام بالی «مانع پایداری توسعه»، به تعبیر توافق‌نامهٔ کپنهاگ «بحران تعیین‌کنندهٔ عصر ما»، به تعبیر توافق‌نامهٔ پاریس «تهدید فوری و غیرقابل برگشتی» است که مطابق گزارش ارزیابی چهارم هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی (IPCC, 2007: 1)، عمدتاً ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای است (Karl and Trenberth, 2003: 6). در این خصوص، حقوق بین‌الملل برای حل بحران تغییرات اقلیمی «تعهدات بین‌المللی اقلیمی» مختلفی را بر دولت‌ها تحمیل کرده است (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱۹۳)؛ تعهداتی که عمدتاً بر گذار انرژی وکاهش چشمگیر انتشار گازهای گلخانه‌ای متمرکز است (Sharifi and Yamagata, 2016: 1654). بررسی آرای قضایی نیز نشان می‌دهد که مراجع قضایی بر ضرورت کاهش گازهای گلخانه‌ای و انتقال انرژی بر مبنای ملاحظات محیط‌زیستی و تعهدات بین‌المللی اقلیمی تأکید کرده‌اند.

۱-۱. نظریهٔ مسئولیت محیط‌زیستی

تعهد دولت‌ها به مسئولیت‌پذیری در اصل ۲۱ اعلامیهٔ استکهلم، اصول ۲، ۱۳ و ۱۶ اعلامیهٔ ریو، مادهٔ ۳۰ منشور حقوق اقتصادی و تکالیف دولت‌ها، مادهٔ ۳ کنوانسیون تنوع زیستی و مقدمهٔ کنوانسیون ۱۹۸۵ وین برای حفاظت از لایهٔ ازن شناسایی شده است. تعهد دولت‌ها به مسئولیت‌پذیری علاوه‌بر لزوم حفاظت از محیط‌زیست، به حق دسترسی قربانیان آسیب‌های اقلیمی به مراجع دادخواهی برای دریافت غرامت و جبران خسارت اشاره دارد (Rio Declaration, 1992: 13). هرچند برخی دولت‌ها در برابر پذیرش این تعهد برای مدت‌ها استقامت کرده‌اند، اکنون به‌خوبی این تعهد جایگاه خود را در حقوق بین‌الملل یافته است و دولت‌ها با پدیدهٔ افزایش «دعاوی اقلیمی» مواجه شده‌اند.

تاریخچهٔ این بُعد مسئولیت محیط‌زیستی (جبران خسارات) به سال ۱۹۹۱ بازمی‌گردد؛ زمانی

---

۱. شاخص عملکرد تغییرات اقلیمی (CCPI) یک سیستم امتیازدهی است که سیاست‌های اقلیمی کشورها را بر اساس معیارهای استاندارد ارزیابی و مقایسه می‌کند.

۲. ردیاب اقدامات اقلیمی (CAT) پروژهٔ علمی مستقلی است که اقدامات اقلیمی دولت‌ها را پیگیری می‌کند و آن را در مقایسه با اهداف توافق‌نامهٔ پاریس می‌سنجد.

که کشـــورهای جزیره‌ای کوچک خواستار سازوکاری شدند که به کشورهای آسیب‌دیده از افزایش سطح دریاها غرامت پرداخت کند. مفهوم ضرر و زیان برای جبران خسارات اقلیمی در سال ۲۰۱۰ با برنامهٔ کاری موســوم به ضرر و زیان در کاپ ۱۶ آغاز و در تصمیم‌های بعدی[1] تقویت شــد. این موضوع در نهایت به تشــکیل نهادی مالی در کاپ ۱۹ به نام «ســازوکار بین‌المللی ورشــو در مورد ضرر و زیان» در سال ۲۰۱۳ و «اتاق تهاتر فیجی» در کاپ ۲۳ انجامید (UNFCCC, 2019: 43).

۱-۲. نظریهٔ تعهدات بین‌المللی اقلیمی دولت‌ها

تعهــد به کاهش گازهای گلخانه‌ای و تعهــد به انتقال (گذر) انرژی، مهم‌تریــن تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینهٔ تغییرات اقلیمی است. شناسایی احتراق سوخت‌های فسیلی به‌منزلهٔ عامل اصلی تغییرات اقلیمی در ســند نهایی کنفرانس جهانی تغییرات اقلیمی در سال ۱۹۷۹ ژنو، موجب تمایل دولت‌ها به تصویب راهبرد کاهشی در سال‌های بعد بود که رسماً در کنفرانس ۱۹۸۸ تورنتو تصویب شــد (عبداللهــی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱). پــس از کنفرانس تورنتو، دولت‌هــا در اعلامیهٔ کنفرانس وزارتی نوردویک هلند در ســال ۱۹۸۹ و کنفرانس ژنــو دربارهٔ تغییرات آب‌وهوایی ۱۹۹۰ بر لزوم تثبیــت انتشــار گازهای گلخانه‌ای در بــازهٔ زمانی معین تأکید کردند (ســلمانی رضائی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۰۶). همچنین پس از تصویب کنوانســیون چهارچوب سازمان ملل متحد، کاهش گازهای گلخانه‌ای به مهم‌ترین راهبرد کنفرانس اعضا (کاپ) برای رویارویی با تغییرات اقلیمی تبدیل شد. در همهٔ تصمیمات کنفرانس‌های کاپ، دولت‌های عضو بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق ســازوکار «توســعهٔ پاک» پروتکل کیوتو (Kyoto Protocol, 1997: 12) و سپس با کمک سازوکار «توسعهٔ پایدار» توافق‌نامهٔ پاریس (Paris Agreement, 2015: 6–4) تأکید کرده‌اند.[2]

دومیــن تعهد بین‌المللــی اقلیمی دولت‌هــا و محوری‌ترین موضوع کاپ اعضای کنوانســیون چهارچوب تغییرات اقلیمی تعهد کشورها به انتقال از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر است؛ تعهدی که از مادهٔ ۹ طرح اجرایی اجلاس جهانی توسعهٔ پایدار (بیانیهٔ ژوهانسبورگ مصوب ۲۰۰۲) آغاز شــد و تا رسیدن به کربن صفر ادامه خواهد داشت (Johannesburg Plan, 2002: 9). تقاضای بالای انرژی همراه با رشد سریع اقتصادی و افزایش سهم زغال‌سنگ در ترکیب سبد انرژی کشــورها (Colangelo et al., 2021: 4270)، نیاز فزاینده به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را در

1. See Conference of the Parties (COP): Decision 4/CP.18, Decision 2/CP.19, Decision 4/CP.19, Decision 2/CP.20, Decision 2/CP.21, Decision 3/CP.22, Decision 10/CP.24, Decision 2/CP.25, Decision 17/CP.26, Decision 2/CP.27, Decision 11/CP.27.
2. See Conference of the Parties (COP): Decision 1/CP.13, Decision 1/CP.16, Decision 1/CP.17, Decision 2/CP.17, Decision 1/CP.18, Decision 1/CP.19, Decision 1/CP.20, Decision 1/CP.21, Decision 16/CP.21, Decision 13/CP.23, Decision 1/CP.24, Decision 1/CP.26.

راستای تحقق اهداف توافق‌نامهٔ پاریس از طریق انتقال انرژی ضروری کرده است (Kabeyi et al., 2021: 7). طبق گزارش هیئت بین‌الدولی تغییر اقلیم، میزان سالانه انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از بخش تأمین انرژی جهانی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ هر سال ۳درصد رشد داشته است و هنوز هم این روند ادامه دارد (IPCC, 1996: 621).

۱-۳. نظریهٔ تعهدات حقوق بشری

با آشکارشدن تأثیرات زیان‌بار سوخت‌های فسیلی، مسئلهٔ انرژی از ملاحظات صِرف اقتصادی خارج و ملاحظات زیست‌محیطی نیز برای اولین بار در قطعنامهٔ ۴۳/۵۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۸، به سیاست‌های انرژی افزوده شد (UN.GA Res, 1988: 1). با این حال، این ابراز نگرانی هرگز به معنای ضرورت اقدام جهانی برای مقابله با آثار زیان‌بار سوخت‌های فسیلی، بنا بر ملاحظات حقوق بشری نبود. اما برخی تحولات از جمله انتشار چهارمین گزارش هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، گزارش اکتشافی شورای حقوق بشر و گزارش دبیرکل سازمان ملل دربارهٔ پیامدهای امنیتی تغییرات اقلیمی موجب شد تا دولت‌ها به این نتیجه برسند احتراق سوخت‌های فسیلی تأثیرات منفی و اثرگذاری در حقوق بشر می‌گذارد (HRC, 2009: 97).

از سال ۲۰۰۹ نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد مانند شورای حقوق بشر با شناسایی پیوند حقوق بشر و تغییرات اقلیمی مجموعه‌ای از قطعنامه‌هایی[1] را تصویب کرده‌اند که صراحتاً اعلام می‌کنند که تعهد به کاهش گازهای گلخانه‌ای و تعهد به انتقال انرژی از تعهدات حقوق بشری دولت‌ها هستند (Limon, 2010: 545). به همین دلیل موافقت‌نامه‌های «کپنهاگ»، «کانکون» و «توافق‌نامهٔ پاریس» از کشورها می‌خواهند که «در اقدامات اقلیمی، تعهدات حقوق بشری را در نظر بگیرند» (Adelman, 2018: 7). مراجع قضایی نیز در آرای خود به پیوند تعهدات حقوق بشری و تعهدات اقلیمی تأکید کرده‌اند (ICJ, 2025: 143; ACHR, 2012: 13; EctHR, 2024: 436; IACtHR, 2025: 277). بند ۸۳ گزارش اکتشافی و بندهای ۳۸، ۴۶، ۵۹ و ۶۲ گزارش تحلیلی شورای حقوق بشر به محاکم داخلی صلاحیت رسیدگی به دعاوی اقلیمی را داده‌اند (HRC, 2009: 59; HRC, 2017: 46–62). پیوند تعهدات حقوق بشری و تعهدات اقلیمی و تلقی «مسائل محیط‌زیستی» به‌عنوان یک «مسئلهٔ حقوق بشری» افق‌های جدیدی را برای «مطالبه‌گری حقوقی» علیه شرکت‌های فراملی و دولت‌ها باز می‌کند.

1. See: Resolutions Human Rights Council 7/23 (2008), 10/4 (2009), 18/22 (2011), 19/10 (2012), 26/27 (2014), 29/15 (2015), 32/33 (2016), 35/20 (July 2017), 37/8 (2018), 41/21 (2019), 44/7 (2020), 46/7 (2021), 48/13 (2021), 50/9 (2022), 53/6 (2023).

۲. دعاوی اقلیمی علیه انتشار کربن در محاکم ملی

توافق‌نامهٔ پاریس به‌گونه‌ای تعهدات اقلیمی کشـورها را طراحی کرده اسـت که دادگاه‌های داخلی بتوانند میزان اجرایی‌شدن سند مشارکت ملی (NDC) هر دولت را بررسی و پیگیری کنند (بودانسکی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۳۵). در سطح ملی نیز تلاش شده است ترتیب بررسی پرونده‌ها ابتدا بر اساس بزرگ‌ترین انتشاردهندگان کربن و سپس پرونده‌هایی که به صدور رأی منتهی شده‌اند، باشد.

۲-۱. چین: پروندهٔ دوستان طبیعت علیه شرکت برق دولتی گانسو

با وجود افزایش دعاوی اقلیمی در چین، پروندهٔ قابل ذکری علیه کربن در نظام قضایی این کشـور مطرح نشـده است (Wei, 2022: 493) و بیشـتر دعاوی نیز در مورد نرخ انرژی‌های تجدیدپذیر و مصرف انرژی برای اسـتخراج ارزهای دیجیتال اسـت (Tigre, 2024: 47). یکی از موارد مرتبط با کاهش گازهای گلخانه‌ای پروندهٔ «دوسـتان طبیعت علیه شـرکت برق دولتی گانسـو»[1] است. در تاریخ ۶ ژوئن ۲۰۱۷، انجمن دوستان طبیعت علیه شرکت برق دولتی گانسو دادخواستی ثبت کرد و مدعی شد که شرکت دولتی گانسو مواد ۲، ۱۴ و ۲۹ قانون انرژی‌های تجدیدپذیر را با نخریدن برق تولیدشـده از منابع تجدیدپذیر (ژنراتورهای بادی و خورشیدی) نقض کرده است. انجمن دوستان طبیعت در دادخواست خود مدعی شد که نخریدن برق تولیدشده از منابع تجدیدپذیر باعث انتشار گازهای گلخانه‌ای، آلودگی هوا و گسـترش نیروگاه‌های تولید برق با سـوخت زغال‌سـنگ خواهد بود (Zhu, 2023: 2009)؛ نتیجه‌ای که در مغایرت با مادهٔ ۲ کنوانسـیون چهارچوب ۱۹۹۲ و مادهٔ ۴ توافق‌نامهٔ پاریس ۲۰۱۵ است.

سـرانجام دادگاه مردمی منطقهٔ معدنی گانسو به نفع بنیاد دوستان طبیعت رأی داد و این شرکت دولتی را مجبور به سـرمایه‌گذاری و گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر کرد. در «کتاب سـفید»[2] دادگاه منابع محیطی چین که در سـال ۲۰۱۹ از سـوی دیوان عالی چین منتشر شد، پروندهٔ دوستان طبیعت علیه شـرکت برق دولتی گانسـو به‌عنوان اولین پروندهٔ اقلیمی علیه کربن و نمونهٔ موفقی از واکنش قضایی به گازهای گلخانه‌ای درج شده است.

۲-۲. آمریکا: از پروندهٔ جولیانا تا رأی اقلیمیِ هلد علیه ایالت مونتانا

پروندهٔ «جولیانا و سایرین علیه ایالات متحده آمریکا»،[3] دادخواستی مرتبط با تغییرات اقلیمی است که در سال ۲۰۱۵، ۲۱ نوجوان علیه آمریکا در ایالت اورِگِن مطرح کردند. شاکیان در این دادخواست

1. The Friends of Nature Institute v. Gansu State Grid Decision No. 679, (2018).
2. SPC White Papers, Annual Reports & Occasional Reports, Some with English Translations.
3. Juliana v United States, Docket number(s): 24-645, 2016.

ادعــا کردند که دولت آمریکا با صدور مجوز بــه فعالیت‌های تولیدکنندهٔ کربن و حمایت از صنعت ســوخت‌های فســیلی حق حیات (زندگی) آن‌ها را نقض کرده اســت (Preston, 2018: 150). این پرونده نهایتاً در سال ۲۰۲۰ رد شد، اما دادگاه استیناف حوزهٔ نهم آمریکا در ۴ ژوئن ۲۰۱۹ اذعان کرد کــه ایالات متحده در ایفای تعهدات خود (کاهش گازهای گلخانه‌ای) قصور کرده (UNEP, 2024: 24) و مســئول است (Diaconu, 2021: 215). قاضی «جوزفین استاتون»[1] در نظر مستقل خود، از دولت به دلیل نادیده‌گرفتن بحران تغییرات اقلیمی انتقاد کرد (Shuen, 2021: 378).

پروندهٔ «کیوالینا»[2] از دیگر دعاوی اقلیمی اســت که در ســال ۲۰۰۷ در آمریکا علیه شرکت‌های انــرژی و صنعــت نفت و گاز در ارتباط با انتشــار بیش از حد کربن و گرمایش جهانی مطرح شــد (کیریکو و بومقار، ۱۳۹۹: ۵۴۱). در این پرونده خواهان‌ها مدعی شــدند که گرمایش جهانی شــهر کیوالینــا در مقابل امواج بی‌امان دریا در معرض فرســایش و نابودی قــرار دارد که چنین وضعیتی در نهایت به بی‌خانمانی آن‌ها منجر خواهد شــد (Maldonado et al., 2013: 601). دادگاه به دلیل فقدان اســتاندارد معین برای کاهش گازهای گلخانه‌ای، تعدد علل گرمایش جهانی و مهم‌تر از همه موفق‌نبودن کیوالینا در اثبات «حقوقی‌بودن» موضوع مســئولیت شرکت‌های نفتی، دادخواست را با ارجاع به «دکترین امر سیاسی»[3] رد کرد.

در پروندهٔ «هلد علیه ایالت مونتانا»[4] که در ســال ۲۰۲۰ ثبت شــد، ۱۶ جوان فعال محیط‌زیست از ایالت مونتانا در آمریکا به علت نقض حق قانونی خود برای داشتن محیطی پاک و سالم شکایت کردند و ادعا کردند که قانون سیاســت محیط‌زیســتی مونتانا (MEPA)[5] که بررســی انتشار گازهای گلخانــه‌ای و تأثیــرات مربوط به تغییرات اقلیمی را در ارزیابی‌های آثار محیط‌زیســتی مورد توجه قرار نمی‌دهد، حقوق آن‌ها را نقض کرده اســت. در اگوســت ۲۰۲۳، دیوان عالی مونتانا حکم داد که قانون ایالت مونتانا دربارهٔ سیاســت‌های محیط‌زیستی حق شاکیان را برای داشتن محیطی پاک و سالم نقض می‌کند. همچنین این دیوان حکم داد که نهادهای نظارتی باید قبل از صدور مجوزهای سوخت فسیلی، آثار انتشار گازهای گلخانه‌ای را ارزیابی کنند.

گفتنی اســت به‌رغم موانع طــرح دعاوی اقلیمــی در نظام حقوقی آمریکا، شناســایی گازهای گلخانه‌ای به‌منزلهٔ منبعی آلاینده در این کشور از طریق آرای قضایی صورت گرفته است. دیوان عالی

1. Josephine Staton.
2. Native Village of Kivalina v. ExxonMobil Corp., 663 F. Supp. 2d 863 (N.D. Cal. 2009), appeal docketed, No. 09-17490 (9th Cir. 2010).
۳. دکترین سیاسی اصلی در قانون اساسی است که تعیین می‌کند چه زمانی دادگاه‌ها باید از قضاوت در مورد پرونده‌های خاص، به‌ویژه مواردی که مربوط به اختیارات قوه مجریه یا مقننه است، بپرهیزند.
4. Held v. State, Docket number(s): DA 23-0575, (2020).
5. The Montana Environmental Policy Act (MEPA).

ایالات متحدهٔ آمریکا در سال ۲۰۰۷ در پروندهٔ «ماساچوست علیه سازمان حفاظت محیط‌زیست آمریکا» تشخیص داد که آژانس حفاظت از محیط‌زیست صلاحیت تنظیم و قانون‌گذاری در مورد گازهای گلخانه‌ای را دارد.

۲-۳. هند: پروندهٔ ریدهیما پاندی در دادگاه ملی سبز هند

نظام قضایی هند به سبب نوآوری در دعاوی مربوط به منافع عمومی از جمله تأسیس دادگاه ملی سبز[1] در سال ۲۰۱۰ بسیار معروف شده است. از دعاوی تأثیرگذار در توسعهٔ انرژی‌های پاک در نظام حقوقی هند پروندهٔ ««رانجیتسین علیه دولت هند»[2] است (Ghosh, 2020:45). در پروندهٔ «رانجیتسین»[3] شاکی از دادگاه درخواست کرد که مانع صدور مجوز نصب خطوط برق هوایی برای پروژه‌های تجدیدپذیر در زیستگاه‌های پرندگان در معرض انقراض از سوی دولت شود (Tigre, 2024: 12). بنابراین، مسئلهٔ اصلی پیش‌روی دیوان، برقراری تعادل بین حفاظت از تنوع زیستی مطابق کنوانسیون تنوع زیستی و حفاظت از اقلیم با گسترش انرژی‌های پاک طبق توافق‌نامهٔ پاریس بود. دیوان در کنار تعهد هند به گذار از سوخت‌های غیرفسیلی به انرژی‌های پاک، اذعان کرد که حفاظت از تنوع زیستی باید با ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر همسو و هماهنگ باشد (M.K. Ranjitsinh v. Union of India, 2024: 15).

پروندهٔ رانجیتسین باعث طرح دعاوی اقلیمی علیه کربن در هند از جمله پروندهٔ «ریدهیما پاندی» در سال ۲۰۱۷ شد. ریدهیما پاندی، ساکن ایالت «اوتاراکند»،[4] در دادگاه ملی سبز دادخواستی ثبت و ادعا کرد که اقدامات و سیاست‌های مربوط به انرژی دولت هند برای مبارزه با تغییرات اقلیمی ناکافی و مغایر با تعهدات بین‌المللی طبق توافق‌نامهٔ پاریس و سایر معاهدات اقلیمی است. اما دادگاه ملی سبز در تصمیمی شتاب‌زده و دوصفحه‌ای، درخواست خواهان را رد کرد و اظهار داشت که قانون محیط‌زیست فعلی، تعهدات اقلیمی را پوشش می‌دهد و نیازی به تصویب قوانین اقلیمی جدید نیست. رویکرد «سطحی» دادگاه ملی سبز باعث شد تا در سال ۲۰۱۹، از رأی دادگاه ملی سبز در دیوان عالی هند درخواست تجدیدنظر شود. دیوان عالی در یک دستور رویه‌ای در مورخ ۲۱ فوریه ۲۰۲۵ به ناکافی‌بودن قوانین موجود برای رسیدگی به چالش تغییرات اقلیمی اذعان کرد. از این رو، برای ارزیابی جامع موضوع، دستور داد تا وزرای هشت وزارتخانه به‌عنوان طرفین دعوا در دادگاه حاضر شوند (Supreme Court Of India, 2025: 6).

1. National Green Tribunal (NGT).
2. MK Ranjitsinh et al. v. Union of India et al.(2022).
3. Ridhima Pandey v. Union of India, Original Application No. 187 of 2017; Civil Appeal No. 388/2021.
4. Uttarakhand.

۲-۴. روسیه: پروندهٔ اکودیفنس و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد علیه دولت روسیه

روسیه مطابق سند مشارکت ملی و در حمایت از «فراخوان لیما»[۱] در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که متعهد به کاهش ۷۰ تا ۷۵درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای نسبت به سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۳۰، است. با اینکه روسیه اکنون چهارمین تولیدکنندهٔ بزرگ انتشار کربن در جهان است، اما پروندهٔ مهمی در زمینهٔ انتشار کربن در محاکم این کشور مطرح نشده است.

پروندهٔ «اکودیفنس و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد علیه دولت روسیه»[۲] اولین شکایت اقلیمی در روسیه است که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲، چندین گروه محیط‌زیستی در دیوان عالی فدراسیون روسیه مطرح کردند و خواستار آن شدند که دادگاه با صدور حکمی دولت را به اتخاذ اقدامات نظارتی مناسب برای اطمینان از کاهش سریع و پایدار انتشار گازهای گلخانه‌ای وادار کند. خواهان‌های پرونده مدعی شدند که اقدامات ناکافی روسیه در مورد گازهای گلخانه‌ای «نقض قانون اساسی روسیه و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» است. دیوان عالی فدراسیون روسیه در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲، این درخواست را رد کرد و به همین دلیل پرونده به دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه شد. با توجه به تصویب قانون جدایی روسیه از دادگاه اروپایی حقوق بشر به‌نتیجه‌رسیدن این پرونده بسیار بعید است.

۲-۵. ژاپن: از پروندهٔ «شهروندان سندای علیه نیروگاه کوبه» تا «یوکوسوکا»

ژاپن با اینکه از بزرگ‌ترین انتشاردهندگان اصلی کربن در جهان است، اما بررسی پایگاه داده مرکز سابین، گزارش گرانتام و گزارش‌های یونپ نشان می‌دهد که دادخواست اقلیمی علیه کربن که به صدور رأی منتهی شده باشد، اکنون در نظام حقوقی این کشور وجود ندارد. دعاوی (شهروندان سندای علیه نیروگاه سندای،[۳] شهروندان علیه شرکت کوبه استیل و کوبه سیویل[۴] و شهروندان یوکوسوکا علیه وزیر اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن)[۵] در راستای ممانعت از ساخت نیروگاه‌های زغال‌سنگ به علت افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و نقض تعهدات اقلیمی علیه شرکت‌ها مطرح شده‌اند (Nishikawa, 2023: 218). اولین پروندهٔ اقلیمی در ژاپن را شهروندان شهر سندای، برای درخواست صدور حکم منع تأسیس و فعالیت یک نیروگاه زغال‌سنگ، در سپتامبر ۲۰۱۷ طرح

---

۱. فراخوان لیما (Lima Call for Climate Action) سندی است که در کنفرانس اقلیمی سازمان ملل (COP۲۰) در لیما، پایتخت پرو، در سال ۲۰۱۴ تصویب شد و در آن از کشورها خواسته شد برنامه‌های مشارکت ملی خود (NDC) را برای کاهش انتشار کربن تهیه و اعلام کنند.

2. Ecodefense and Other NGOs v. Russia (2022).

3. Sendai Citizens v Sendai Power Station (2017).

4. Citizens' Committee on the Kobe Coal-Fired Power Plant v. Japan, (2018).

5. Yokosuka Climate Case (2019).

کردنــد (Ichihara et al., 2024: 17). اما پرونده به این دلیل که شــهروندان نتوانســتند ادلهٔ قانونی و مدارک قابل پذیرشــی برای اثبات ادعاهای خود به دادگاه ارائه دهند، رد شــد. دومین و ســومین پروندهٔ اقلیمی علیه کربن در مرحلهٔ تجدیدنظر در فرایند رسیدگی است (Nishikawa, 2023: 218).

۲-۶. آلمان: پروندهٔ لوسیانو لیویا علیه شرکت برق آلمانی آروِ آگ

در ســال ۲۰۱۵، یک کشــاورز پرویی به نام «لوسیانو لیویا»[1] که در شــهر «هوآراز»[2] واقع در مسیر دریاچهٔ «پالکاراجو»[3] زندگی می‌کند، علیه شرکت برق آلمانی «آروِ آگ»، در دادگاه منطقه‌ای «اِسِن»[4] دادخواستی ثبت کرد[5] و مدعی شد که شرکت آروِ آگ با انتشار گازهای گلخانه‌ای موجب تغییرات اقلیمی و ذوب یخ‌های دریاچهٔ پالکاراجو شــده اســت که خطر ســیل برای خانهٔ او و سایر ساکنان شهر هوآراز ایجاد می‌کند، لذا باید غرامتی متناسب با سهم این شرکت در انتشار گازهای گلخانه‌ای بپردازد (Kumar and Frank, 2018: 110). در ســال ۲۰۱۶، دادگاه منطقه‌ای اِســن ادعاهای لیویا را رد کــرد و اظهار کرد که هیچ «رابطهٔ علّی» بین انتشــار گازهای گلخانه‌ای و آثار خاص تغییرات اقلیمــی وجود ندارد. بــا این حال، در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۷، دادگاه تجدیدنظر اســتدلال‌های حقوقی و خواستهٔ لیویا را پذیرفت و رسیدگی به پرونده را شروع کرد. این پرونده هنوز در مرحلهٔ تجدیدنظر قرار دارد، اما اگر به صدور رأی منجر شود، از آن نظر واجد اهمیت است که برای اولین بار مرجعی قضایی ملی اذعان می‌کند که یک شرکت خصوصی، مسئول سهم خود از آسیب‌های ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای اســت. «مؤسسهٔ بین‌المللی تغییر ســوخت»[6] و «گروه تحقیقاتی تجزیه‌وتحلیل کربن صفر»[7] به اهمیت پروندهٔ لوسیانو لیویا اشاره و اظهار می‌کنند که موفقیت پروندهٔ لوسیانو لیویا از لحاظ ایجاد رویهٔ قضایی در زمینهٔ پرداخت تریلیون‌ها دلار غرامت از ســوی صنعت نفت و گاز بسیار مهم است (Oil Change International and Zero Carbon Analytics, 2023: 7).

شناســایی مســئولیت خسارات ناشی از انتشــار گازهای گلخانه‌ای در محاکم و مراجع قضایی مشــوقی برای گسترش انرژی‌های پاک می‌شود (Heidari and Pearce, 2016: 908)؛ زیرا افزایش دعاوی اقلیمی خطر بالای به چالش کشیده‌شدن دولت‌ها و شرکت‌های نفت و گاز را نشان می‌دهد و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آلاینده را بی‌انگیزه می‌کند (Setzer and Vanhala, 2019: 21).

1. Saúl Luciano Lliuya.
2. Huaraz.
3. Palcacocha.
4. Essen.
5. Luciano Lliuya v. RWE AG, Case No. 1-5 U 15/17 2 0 285/15, (2015).
6. Oil Change International.
7. Zero Carbon Analytics.

۲-۷. کرۀ جنوبی: دو-هیون کیم و همکاران علیه دولت کرۀ جنوبی

در ۱۳ مارس ۲۰۲۰، ۱۹ جوان فعال محیط‌زیستی دادخواستی را در دادگاه قانون اساسی کرۀ جنوبی ثبت (Lee, ۲۰۲۵: ۸۴) و ادعا کردند که تعهد دولت برای کاهش ۲۴درصدی گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰ مطابق قانون تغییرات اقلیمی برای حفظ گرمایش جهانی زیر ۲درجۀ سانتی‌گراد کافی نیست.

در ۲۹ آگوست ۲۰۲۴، دادگاه قانون اساسی به اتفاق آرا تشخیص داد که بند ۱ مادۀ ۸ قانون تغییرات اقلیمی، حق محیط‌زیست سالم مندرج در مادۀ ۳۵ قانون اساسی کرۀ جنوبی را نقض می‌کند و به مجلس ملی دستور داد تا ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ این قانون را اصلاح کند (Pues et al., 2024: 5). دادگاه در حکم خود مقرر می‌دارد که اقدامات دولت: ۱. باید بر اساس سهم کرۀ جنوبی در تغییرات اقلیمی مبتنی بر حقایق علمی و استانداردهای بین‌المللی باشد، ۲. اقدامات دولت نباید بار اضافی به نسل آینده تحمیل کند، و ۳. اقدامات دولت باید بر اساس چهارچوب قانونی باشد و کاهش مداوم گازهای گلخانه‌ای را تضمین کند (Do-Hyun Kim et al. v. South Korea 2020: 18). رأی دادگاه قانون اساسی در پروندۀ «دو-هیون کیم و همکاران علیه دولت»[1] علاوه‌بر اصلاح قانون تغییرات اقلیمی موجب بازنگری در سند مشارکت ملی با هدف کاهش ۴۰درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰ نسبت به سطح سال ۲۰۱۸ شد.

۲-۸. ایران: معضل گازهای همراه در گزارش کمیسیون انرژی

جمهوری اسلامی ایران مطابق سازوکار مشارکت ملی، کاهش ۸درصدی گازهای گلخانه‌ای را به‌صورت داوطلبانه (مشروط) علاوه‌بر ۴درصد الزامی (غیرمشروط) و در مجموع ۱۲درصد در صورت رفع تحریم‌ها اعلام کرده است. از راهکارهای ارائه‌شده در تصویب‌نامۀ اقدامات مربوط به برنامۀ مشارکت ملی مصوب ۱۳۹۴، برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، اتخاذ راهبرد افزایش تولید انرژی‌های پاک است (رضائی و غلامپور ارباستان، ۱۴۰۲: ۶). با وجود تعهد دولت جمهوری اسلامی ایران برای کاهش گازهای گلخانه‌ای، گزارش‌ها نشان می‌دهد که تلاش‌های ایران برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای چشمگیر نیست و به‌شدت ناکافی است (Nascimento, 2023: 35). ایران مطابق شاخص عملکرد تغییرات اقلیمی در آخرین رتبه (رتبۀ ۶۷) قرار دارد. حضور پررنگ بخش دولتی در اقتصاد، اقتصاد مبتنی بر کربن و وابستگی شدید اقتصاد ایران به سوخت‌های فسیلی از چالش‌ها و موانع اجرای تعهدات کاهشی در ایران است (Tolios and Fragkos, 2024: 4). حال پرسش این است که آیا در نظام حقوقی ایران امکان طرح دعاوی

1. Do-Hyun Kim et al. v. South Korea Constitutional Court 2020Hun-Ma389.

اقلیمی علیه انتشـــار گازهای گلخانه‌ای وجود دارد؟ بی‌تردید با توجه به اصل ۳۴ قانون اساســـی در نظام حقوقی ایران نیز انتشـــار گازهای گلخانه‌ای از ســـوی صنایع نفتی می‌تواند مبنایی برای طرح شکایت‌های زیست‌محیطی باشد.

از اقدامات قضایی در حمایت از تعهدات کاهشـــی در نظـــام حقوقی ایران می‌توان به گزارش کمیســـیون انـــرژی در مـــورد قصور و تخلـــف وزارت نفت و شـــرکت‌های نفتـــی در جمع‌آوری و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید نفت و جلوگیری از مَشعَل‌ســـوزی (فلر) اشـــاره کرد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اعمال مادهٔ ۲۳۴ آیین‌نامهٔ داخلی مجلس، گزارش اجرای ناقص تکالیف قانونـــی مربوط به جمـــع‌آوری گازهای همراه تولید نفت را در ســـال ۱۴۰۳ به قوهٔ قضائیه ارســـال کردند. گرچه رسیدگی قوهٔ قضائیه هنوز به نتیجه نرسیده است، رسیدگی به تخلفات وزارت نفت و شـــرکت‌های نفتی موجب پایان مشعل‌سوزی و کاهش مقدار انتشار گازهای گلخانه‌ای خواهد شد (مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳: ۹).

۲-۹. فیلیپین: پروندهٔ بزرگ‌ترین انتشاردهندگان کربن در کمیسیون حقوق بشر

رأی کمیسیون حقوق بشر فیلیپین در پروندهٔ «بزرگ‌ترین انتشاردهندگان کربن»[1] پس از هفت سال تحقیق ســـرانجام در ۶ مه ۲۰۲۲ صادر شـــد (Lin and Kysar, 2020: 74). رأی کمیســـیون در این پرونده نشـــان داد که ۲۱درصد از انتشـــار گازهای گلخانه‌ای به دلیل فعالیت شرکت‌های نفتی است (CHRP, 2022: 99). کمیســـیون در رأی خود مقرر می‌دارد: «شرکت‌های نفتی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای باید اکتشـــاف میادین نفتی جدید را متوقف و گذار عادلانه به انرژی‌های پاک را آغاز و در انرژی‌های تجدیدپذیر ســـرمایه‌گذاری کنند (Ibid: 131). دســـتاورد مهم حکم کمیسیون در مسئلهٔ صلاحیت و تأثیر انظباطی این رأی در پاسخ‌گوکردن شرکت‌های فراملی نهفته است. همهٔ شرکت‌های بزرگ کربن می‌خواستند صلاحیت کمیسیون را بر اساس این استدلال که رفتار ادعایی، عمدتاً در خارج از فیلیپین رخ داده است، به چالش بکشند. اما کمیسیون قاطعانه ادعای شرکت‌های بـــزرگ را رد و اظهار کرد که علاوه‌بـــر «اختیار» (صلاحیت)، «وظیفه» (تعهد) نیز دارد که ادعاهای نقض حقوق بشـــر را اعم از اینکه در داخل یا خارج از قلمرو فیلیپین رخ داده باشـــند، بررســـی کند (Ibid: 4). دستاورد دیگر این پرونده تمرکز بر شناسایی تعهدات اقلیمی شرکت‌های تجاری است.

۲-۱۰. پاکستان: پروندهٔ اصغر لغاری علیه فدراسیون پاکستان در دادگاه عالی لاهور

اصغر لغاری که در برابر تغییرات اقلیمی آســـیب‌های متعددی دیده بود، در دادخواســـتی نزد دادگاه

1. Greenpeace Southeast Asia and others v. the Carbon Majors, Case No. CHR-NI-2016-0001, (2015).

عالی لاهور مدعی شد دولت پاکستان با «عدم اقدام، قصور و کوتاهی» در اجرای سند سیاست ملی تغییرات اقلیمی مصوب ۲۰۱۲ و سند چهارچوب تغییرات اقلیمی (۲۰۱۴-۲۰۳۰) موجب نقض حقوق اساسی او و سایر ساکنان ناحیهٔ رحیم‌یارخان شده است (Asghar Leghari V Federation of Pakistan, 2015: 8)، زیرا تغییرات اقلیمی ایجادشده تهدیدی جدی برای امنیت آب، غذا و انرژی در پاکستان است (Shuen, 2021: 378). قاضی منصور علی‌شاه، دادخواست لغاری را از دعاوی مربوط به منافع عمومی و شبیه «ماندامُوس»[1] در نظام حقوقی کانادا و «کالیکاسان»[2] در نظام حقوقی فیلیپین دانست که مستلزم بررسی و نظارت مستمر است. بنابراین دستور تشکیل کمیسیون تغییرات اقلیمی را صادر کرد تا بر اجرای سند سیاست و سند چهارچوب برای تغییرات اقلیمی نظارت کند (Mahaseth and Goyal, 2021: 127).

دادگاه بعد از بررسی نظرات وزارتخانه‌ها و گزارش‌های کمیسیون تغییرات اقلیمی به این نتیجه رسید که هیچ پیشرفت واقعی در اجرای سند سیاست و سند چهارچوب برای تغییرات اقلیمی وجود نداشته است. همچنین، دادگاه در پاراگراف ۱۱ رأی خود تشخیص داد که قصور دولت در اجرای سند سیاست و سند چهارچوب برای تغییرات اقلیمی، حقوق اساسی شهروندان را نقض کرده است (Barritt and Sediti, 2019: 203).

۲-۱۱. هلند: پروندهٔ اورجندا علیه دولت هلند

در سال ۲۰۱۳ «بنیاد استیختینخ اورجندا»[3] به نمایندگی از ۸۸۶ نفر از شهروندان هلندی، پرونده‌ای را علیه دولت هلند[4] مطرح و در دادخواست خود اظهار کرد که تغییرات اقلیمی حقوق شهروندان هلندی را تهدید می‌کند. لذا از دادگاه خواست تا رأیی صادر کند که دولت را به کاهش گازهای گلخانه‌ای به میزان ۴۰درصد انتشار سالانه تا سال ۲۰۳۰ مکلف کند (Cournil and Tabau, 2015: 238). دادگاه بدوی هلند ادعای خواهان را پذیرفت و در رأی خود دولت هلند را به علت نقض تعهد به مراقبت کافی از شهروندان هلندی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای مسئول شناخت (Tabau and Cournil, 2015: 221). دادگاه بدوی همچنین در پاراگراف‌های ۲,۱۹، ۲,۷۷، ۴,۶۶،

---

۱. حکم ماندامُوس (Mandamus) راه‌حلی قضایی در سیستم حقوق عرفی کانادا و آمریکا است که شامل حکم دادگاهی است که به یک مقام یا نهاد دولتی دستور می‌دهد عملی (مرتبط با محیط‌زیست) را از نظر قانونی به‌مثابهٔ بخشی از وظایف رسمی خود انجام دهد.

۲. حکم کالیکاسان (Kalikasan) راه‌حلی قانونی طبق قانون ۷ پرونده‌های زیست‌محیطی فیلیپین است که از حق اساسی فرد برای داشتن محیط‌زیست سالم محافظت می‌کند.

3. Stichting Urgenda.

4. Stichting Urgenda v. Government of the Netherlands, ECLI: NL: RBDHA, (2015).

۴,۷۲، ۴,۸۰ بـر لزوم تأمین انرژی کم‌کربـن از منابع تجدیدپذیر تأکید کرد (Dist. Ct.The Hague, 2015: 4.53).

به دنبال تجدیدنظرخواهی از رأی بدوی، دادگاه تجدیدنظر لاهه نیز همسـو با دادگاه بدوی به دولت هلند دسـتور داد که میزان انتشـار گازهای گلخانه‌ای را تا سال ۲۰۲۰ به میزان ۲۵درصد (در مقایسه با سطح سال ۱۹۹۰) کاهش دهد (Peel and Osofsky, 2018: 49). بر اساس فرجام‌خواهی در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۹، دیوان عالی هلند تصمیمات محاکم قبلی را تأیید کرد (Meguro, 2020: 731). رأی اورجندا، اوج روند قضایی هفت‌سـاله‌ای اسـت، که بدوی‌ترین تـا عالی‌ترین مراجع قضایی یک کشـور اعلام کردند که گازهای گلخانه‌ای حقوق بشـر و محیط‌زیسـت را تهدید می‌کند (Sup. Ct.Neth, 2019: 5.7.5). «میشل باچلت»،[1] کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، در بیانیه‌ای اظهار کرد: «رأی اورجندا تأیید می‌کند که دولت‌ها بر اسـاس حقوق بشر، تعهدات الزام‌آوری برای تغییر الگوهای نامطلوب در چرخهٔ انرژی دارند» (Maxwell, 2023: 4).

همچنین شـاهد اثر انعکاسـی رأی اورجندا در پروندهٔ «گروه محیط‌زیسـتی میلیودیفنسـی و دوسـتان زمین علیه شرکت شِـل» هسـتیم (Milieudefensie et al. v. Royal Dutch Shell plc, 2021: 4.4.15). دادگاه هلند در پروندهٔ «گروه محیط‌زیسـتی میلیودیفنسـی»، شـرکت نفتی شل را موظف کرد که تولید گاز آلایندهٔ دی‌اکسید کربن را تقریباً به نصف کاهش دهد (Ibid).

۲-۱۲. نیجریه: پروندهٔ جونا گبمرِ علیه شرکت نفتی شِل

دلتـای نیجریه مطابق گـزارش وزارت محیط‌زیسـت نیجریه، بنیاد حفاظـت از نیجریه و گزارش اتحادیـهٔ بین‌المللـی حفاظت از طبیعت بیش از ۱۵۰۰ بار به دلیل حوادث ناشـی از نشـت نفت و اسـتخراج بدون ارزیابی آثار محیط‌زیسـتی همیشـه در معرض تخریب محیط‌زیسـت بوده است (Clarke, 2023: 253). «جونا گبمرِ»[2] به‌عنوان نمایندهٔ جامعهٔ دلتای نیجر علیه شـرکت شِل به دلیل استفادهٔ مداوم از مشعل‌های گاز (مشعل‌سوزی) در فعالیت‌های اکتشاف و تولید نفت شکایت کرد.[3] خواهان ادعا کرد که مشعل‌سوزی در حین استخراج نفت و گاز، حقوق مردمان منطقهٔ دلتای نیجر از جمله حق حیات و کرامت انسانی را که در بخش‌های ۳۳ و ۳۴ قانون اساسی نیجریه مصوب ۱۹۹۹ و همچنین مواد ۴، ۱۶ و ۲۴ منشـور حقوق بشـر و مردم آفریقا تضمین شـده است، نقض می‌کند. دادگاه عالـی فـدرال نیجریه به نفع گبمرِ رأی داد و در بند ۱۵ رأی خود تأیید کرد که سـوزاندن گاز

1. Michelle Bachelet.
2. Jonah Gbemre.
3. Gbemre v. Shell Petroleum Development Company of Nigeria Ltd, Suit No. FHC/B/CS/53/05; (2005) AHRLR 151 (NgHC 2005).

طبیعی (مشعل‌سوزی) در جریان استخراج و تولید نفت، حق حیات (زندگی) جامعهٔ ایورکان در دلتای نیجر را نقض می‌کند (Estrin and Kennedy, 2014: 83). افزون بر این، دادگاه عالی فدرال نیجریه به شرکت نفت شل دستور داد تا اقدامات ضروری برای توقف مشعل‌سوزی، انجام دهد (HRC, 2017: 41). دادگاه همچنین به دولت نیجریه دستور داد تا با اصلاح سریع قانون تزریق گاز همراه، به‌گونه‌ای که با تعهدات حقوق بشری نیجریه مطابقت داشته باشد، گام‌هایی برای ممنوعیت قانونی، صریح و دائمی مشعل‌سوزی در نیجریه بردارد. در پی صدور این رأی، نیجریه مالیات کربن را الزامی کرد و قانون تزریق گاز همراه را نیز مورد اصلاح و بازنگری قرار داد (Tigre, 2024: 27).

برخی پژوهشگران همچون «ابراهیم اولاؤلوا» و «اوزوازو اتمیر» تأثیر پروندهٔ گبمر و پروندهٔ اقلیمی «اورونتو داگلاس علیه شرکت نفت شِل»[1] در سیاست‌های انرژی نیجریه، تصویب قانون برق ۲۰۲۳ و تصویب قانون تغییرات اقلیمی ۲۰۲۱ را به‌منزلهٔ مهم‌ترین قوانین توسعهٔ انرژی‌های تجدیدپذیر در نیجریه می‌دانند که تعهد به کاهش انتشار کربن را به دولت و شرکت‌های خصوصی تحمیل می‌کنند (Olaoluwa, 2024: 12; Etemire, 2024: 7). قانون تغییرات اقلیمی ۲۰۲۱ نیجریه در مادهٔ ۲۱ بر گذار انرژی و حرکت به سمت انرژی‌های پاک تأکید می‌کند.

۲-۱۳. ایرلند: پروندهٔ دوستان محیط‌زیست علیه دولت ایرلند

در ۲۲ ژانویهٔ ۲۰۱۹، سازمان مردم‌نهاد «دوستان محیط‌زیست ایرلند» از دادگاه عالی ایرلند خواست تا طرح ملی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای این کشور را لغو کند.[2] شاکی ادعا کرد که طرح ملی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، مغایر با قانون اقدام اقلیمی ایرلند، قانون اساسی و مواد ۲ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است و دولت اقدامات کافی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مطابق با اهداف بین‌المللی انجام نداده است. اما خوانده (نمایندهٔ دولت) ادعا کرد که طرح ملی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مشمول بررسی قضایی نبوده و دولت در محدودهٔ اختیارات مقرر خود عمل کرده است (Irish High Court, 2019: 40). علاوه‌بر این، خوانده ادعا کرد که شاکی جایگاه قانونی برای طرح دعوا ندارد (Ibid: 38).

در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۹، دادگاه عالی ایرلند حکم خود را به نفع دولت صادر کرد (Ibid: 145). این دادگاه ادعای سازمان مردم‌نهاد را مبنی بر ناکافی‌بودن طرح ملی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای دستیابی به تعهدات کاهشی رد کرد و اظهار داشت که دولت از اختیارات لازم خود استفاده کرده است (Ibid: 113). با این حال، در تجدیدنظرخواهی، دیوان عالی ایرلند حکم دادگاه بدوی

1. 8 Oronto Douglas v Shell Petroleum Development Company Nigeria Limited and Ors., Unreported Suit No: FHC/L/CS/573/96, 17 February 1997.
2. Friends of the Irish Environment v. The Government of Ireland, (2023).

را لغو کرد و در ۳۱ جولای ۲۰۲۰ رأی به لغو طرح ملی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای صادر کرد (Irish Supreme Court, 2020: 6.48). دیوان عالی کشور اعلام کرد که این طرح برای اطمینان از دستیابی ایرلند به اهداف اقلیمی ۲۰۵۰ خود کافی نیست (Ibid: 9.2–9.3).

۳. دعاوی اقلیمی علیه انتشار کربن در مراجع قضایی بین‌المللی

مراجع قضایی بین‌المللی در احکام خود به یافته‌های جدیدی دست یافته‌اند که این یافته‌ها در حفاظت از سیستم آب‌وهوایی اهمیت بسیاری دارند. برای مثال کمیسیون آفریقایی حقوق بشر در پروندهٔ «اوگنیلند»،[1] دیوان آمریکایی حقوق بشر در پاراگراف ۲۸۷ نظریهٔ مشورتی (۲۰۲۵) و دیوان بین‌المللی دادگستری در پاراگراف ۴۴۰ نظریهٔ مشورتی (۲۰۲۵)، محافظت از سیستم اقلیمی را در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای تعهدی اِرگا اُومنِسی[2] توصیف کرده‌اند. ویژگی ارگا اُومنسی تعهد به حفاظت از محیط‌زیست به هر کشوری صرف‌نظر از اینکه مستقیم یا غیرمستقیم از نقض این تعهد، متضرر شده یا نشده باشد، حق اقدام به نیابت از عموم می‌دهد.

۳-۱. دعاوی اقلیمی علیه انتشار کربن در نظام آمریکایی حقوق بشر

در دسامبر ۲۰۰۵، «شیلا وات کلوتیه»[3] به نمایندگی از اینوئیت‌های ساکن در قطب شمال[4] در دادخواستی که نزد کمیسیون آمریکایی حقوق بشر ثبت کرد، مدعی شد که آمریکا به دلیل رعایت‌نکردن تعهدات کاهشی حق حیات و هویت اینوئیت‌ها را نقض کرده است (Stillings, 2014: 638). این دادخواست در نوامبر ۲۰۰۶ رد شد (کیریکو و بومقار، ۱۳۹۹: ۴۵۹)، اما سابقه‌ای برای جنبش مقابله با سوخت‌های فسیلی شد (Peel and Osofsky, 2018: 3). کمیسیون حقوق بشر آمریکایی در مارس ۲۰۲۲، قطعنامهٔ شمارهٔ ۲۱/۳ را تصویب کرد[5] که با تکیه بر نظر مشورتی شمارهٔ ۱۷/۲۳ و پروندهٔ «لاکا هونهات علیه آرژانتین»،[6] به‌صراحت در بندهای ۱۱ تا ۱۴ قطعنامه از دولت‌ها و شرکت‌های نفتی می‌خواهد در راستای انتقال انرژی پاک و عادلانه تلاش کنند. همچنین به دنبال درخواست صدور نظریهٔ مشورتی از دیوان آمریکایی حقوق بشر از سوی دولت‌های شیلی

1. Communication No. 155/96, Social and Economic Rights Action Centre v. Nigeria (Ogoniland case); SERAP v. Nigeria, Court of Justice of the Economic Community of West African States, Judgement No. ECW/CCJ/JUD/18/12 (14 December 2012).
2. Erga Omnes.
3. Sheila Watt-Cloutier.
۴. اینوئیت‌ها (Inuit) مردمان بومی ساکن مناطق قطبی شمال هستند.
5. IACHR, “Resolution No. 3/2021. Climate Emergency: Scope of Inter-American Human Rights Obligations” (2021).
6. Indigenous Community Members of the Lhaka Honhat (Our Land) Association vs. Argentina (2020).

و کلمبیا در ژانویهٔ ۲۰۲۳، این مرجع قضایی نظر مشورتی شمارهٔ ۳۲ خود را در مورد تغییرات اقلیمی در ۲۹ می ۲۰۲۵ صادر کرد. این نظر مشورتی ۳۰۰صفحه‌ای، طولانی‌ترین، مهم‌ترین و مترقی‌ترین سندی است که تاکنون از سوی مرجع قضایی فراملی (منطقه‌ای) در مورد بحران تغییرات اقلیمی صادر شده است (Paiement and Heri, 2025: 3). دیوان آمریکایی حقوق بشر صراحتاً اظهار می‌دارد که حق بهره‌مندی از هوای سالم شامل تعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای با تعیین اهداف بلندپروازانه مطابق توافق‌نامهٔ پاریس است (IACtHR, 2025: 251). تعهد به کاهش انتشار باید بر اساس ۱. میزان انتشار فعلی (حال) و سابق (گذشته) هر کشور، ۲. توانایی‌های هر کشور و ۳. شرایط هر کشور تعیین شود (Ibid: 328).

۳-۲. دعاوی اقلیمی علیه انتشار کربن در نظام اروپایی حقوق بشر

در ۲۶ نوامبر ۲۰۲۰، انجمنی با عنوان «کلیما سنیورینن»[1] در دیوان اروپایی حقوق بشر علیه دولت سوئیس به دلیل کوتاهی این دولت در ایفای تعهدات اقلیمی دادخواستی ثبت کرد و مدعی شد که حق سلامت و حیات اعضای انجمن طبق مادهٔ ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به علت گرمایش جهانی، تهدید می‌شود (EctHR, 2024: 3).

در ۹ آوریل ۲۰۲۴، دادگاه اروپایی حقوق بشر نقض حقوق اعضای ۲۵۰۰نفرهٔ انجمن کلیما سنیورینن را طبق مادهٔ ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به سبب قصور دولت سوئیس در دستیابی به هدف کاهش ۲۵درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای تأیید کرد (Ibid: 312). دادگاه دریافت که دولت سوئیس در رعایت تعهدات اقلیمی کوتاهی کرده (Ibid: 573) و نتوانسته است اقدامات مؤثری در راستای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اتخاذ کند (Ibid: 4). با اینکه سهم دولت سوئیس در سطح جهانی در خصوص انتشار گازهای گلخانه‌ای فقط حدود ۰٫۱درصد است، اما دیوان مقرر می‌دارد: «هر دولت در قبال تغییرات اقلیمی پاسخ‌گو و مسئول است» (Ibid: 337).

دیوان همچنین مسئلهٔ تغییرات اقلیمی را با حقوق بشر پیوند می‌دهد و اعلام می‌دارد: «حفاظت از حقوق بشر، منوط به تنظیم رفتار بازیگران خصوصی و اتخاذ سیاست‌هایی است که بتواند شیوه‌های تولید و مصرف انرژی را به مسیری پایدارتر از نظر محیط‌زیستی هدایت کند». به دنبال این محکومیت، دولت سوئیس، با ارزیابی میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای از سوی صنایع کوچک و متوسط، بر سوخت‌های فسیلی مالیات برقرار کرد (United Nations, 2025: 33).

دیوان دادگستری اروپا نیز گرچه محکمهٔ حقوق بشری یا محیط‌زیستی نیست، با وجود این

1. Verein KlimaSeniorinnen.

در پرونده‌های «پرســون الکترا آگ علیه ایالت شلسویگ هولشتاین آلمان»،[1] «ای.وی.ان.آگ علیه اتریــش»[2] و پروندهٔ «الانــدز ویندکرافت ای.بی علیــه انرگی میندیگتن»[3] بیان می‌دارد: «اســتفاده از منابــع انرژی تجدیدپذیر یکی از ابزارهای مهم برای کاهش انتشــار گازهای گلخانه‌ای اســت» (Faure and Nollkaemper, 2007: 33).

۳-۳. دعاوی اقلیمی علیه انتشار کربن در نظام آفریقایی حقوق بشر

از زمان تأســیس کمیسیون آفریقایی حقوق بشــر، هیچ تصمیمی به اندازهٔ رأی کمیسیون در پروندهٔ اوگنیلنــد مــورد توجه قــرار نگرفتــه اســت (Nwobike, 2005: 131). دو ســازمان مردم‌نهاد[4] در دادخواســتی علیه دولت نیجریه نزد کمیســیون آفریقایی حقوق بشــر ادعا کردند که شرکت شِل با همدســتی دولت نیجریه در استخراج نفت در دلتای نیجر موجب تخریب زیست‌محیطی زمین‌ها و آب‌های مردم بومی اوگنیلند شده است. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر پس از بررسی حقایق مسئله اظهار کرد که دولت نیجریه مطابق بخش‌های ۳۳ و ۳۴ قانون اساسی نیجریه (۱۹۹۹) و مواد ۴، ۲۴ و ۱۱۶ منشــور آفریقایی حقوق بشــر (۱۹۸۱)، وظیفه دارد از شــهروندان خود در برابر آسیب‌ها و فعالیت بازیگران غیردولتی، محافظت کند. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر در رأی خود تأیید کرد که دولت نیجریه مغایر با مادهٔ ۲ قانون ارزیابی محیط‌زیستی عمل کرده است (Onwuazombe, 2017: 127; Coomans, 2003: 749). این کمیســیون در پاراگراف ۵۸ رأی خود مقرر کرده است: «دولت علاوه‌بر آنکه بر عملیات غیرمســئولانهٔ شرکت‌های نفتی نظارت ندارد، از طریق نیروهای امنیتی نیز رهبران جنبش نجات مردم اوگونی[5] را اعدام کرده اســت». همچنین، کمیســیون در پاراگراف ۷۱ و ۷۲ رأی خود بر لزوم تغییر الگوهای تولید و مصرف انرژی تأکید کرد.

رأی کمیســیون آفریقایی حقوق بشــر در پروندهٔ اوگنیلند، الهام‌بخش قطعنامه‌های ۲۰۰۹/۱۵۳، ۲۰۱۴/۲۷۱ و ۲۰۱۶/۳۴۲ بــوده اســت (کیریکو و بومقــار، ۱۳۹۹: ۴۴۷). این قطعنامه‌ها صراحتاً بر لزوم گســترش انرژی‌های پاک برای کاهش گازهای گلخانــه‌ای تأکید کرده‌اند. تأثیر پروندهٔ اوگونی (اوگنیلنــد) در تغییر سیاســت‌های انرژی نیجریه در طرح گذار انرژی کاملاً نمایان اســت. نیجریه مطابق طرح گذار انرژی و قانون تغییرات اقلیمی ۲۰۲۱ متعهد به کربن صفر تا سال ۲۰۶۰ است، که گامی حیاتی برای مقابله با تأثیرات تغییرات اقلیمی است (Tijjani et al., 2025: 1).

1. PreussenElektra AG v Schhleswag AG, (C-379/98), 200. ECLI:EU:C:2001:160.
2 . EVN AG and Wienstrom SmgH v Republik Österreich (C-448/01), (2017).
3. Alands Vindkraft AB v. Energimy ndigheten. [2014] Case C-573/12. ECLI: EU: C: 2014: 2037.
4. Social and Economic Rights Action Centre (SERAC) & Centre for Economic and Social Rights (CESR).
5. The Movement for the Survival of Ogoni People (MOSOP).

۳-۴. دعاوی اقلیمی علیه انتشـــار کربن در دیوان لاهه: از تصمیم توووالو تا تلاش‌های وانواتو برای اخذ نظر مشورتی

در سال ۲۰۰۲، کولووا تالاک،[1] نخست‌وزیر وقت توووالو،[2] اظهار کرد که علیه آمریکا و استرالیا برای جبران خسارت ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای نزد دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت خواهد کرد (Stallard, 2009: 163). ادعای مطالبهٔ خســارت از آمریکا و اســترالیا از ســوی توووالو در حد تصمیمی سیاسی ماند و نزد دیوان مطرح نشد، اما نشان داد کشورهای آسیب‌پذیر از انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌طور فزاینده‌ای به دنبال دادرسی سبز در یک مرجع قضایی بین‌المللی هستند.

۱۲ ســال بعد، اندیشهٔ طرح دعوا برای روشن‌شدن مســئولیت قانونی بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای، از ســوی «جانسون توریبیونگ»،[3] رئیس‌جمهور پالائو،[4] با جلب حمایت بیش از ۳۰ کشــور همفکر، احیا شــد (Beck and Burleson, 2014: 17). با آغاز طرح نظریهٔ مشــورتی در دیــوان، آمریــکا وزن دیپلماتیــک خود را بر طــرح موضوع در دیوان انداخــت (Ibid: 26) و با «غیرمنطقی» خواندن اقدام پالائو از کشــورها خواســت که با مسائل بین‌المللی برخورد احساسی نکنند و پرونده را کنار بگذارند (Wewerinke-Singh et al., 2021: 399).

در ســال ۲۰۱۵، فیلیپ ســندز،[5] وکیل و محقق انگلیسی، در سخنرانی‌ای در همایش تخصصی محیط‌زیســتی، بر نقش مؤثر احکام بین‌المللی در مقابله با ســوخت‌های فســیلی و انتشار گازهای گلخانــه‌ای تأکید کرد (Bodansky, 2017: 690). یک ســال بعد، ایدهٔ اخذ نظر مشــورتی در مورد تغییــرات اقلیمی با قطعنامه‌ای که اتحادیهٔ بین‌المللی حفاظت از طبیعت در «هونولولو»ی هاوایی[6] تصویب کرد، مجدداً مطرح شد (IUCN, 2016: 186).

در ۲۹ مــارس ۲۰۲۳، کشــور «وانواتو»[7] با تکیه بر شــواهد علمی هیئــت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی و کســب حمایت بیش از ۱۳۰ کشــور، قطعنامه‌ای را در ۷۷مین نشست مجمع عمومی ملل متحد، به تصویب رســانید که در آن از دیوان لاهه خواســته شــد تا در مورد تعهدات دولت‌ها در خصوص انتشار گازهای گلخانه‌ای نظر مشورتی صادر کند (UN.GA RES, 2023: 3).

بــه این ترتیــب دیوان بین‌المللی دادگســتری در ۲۹ مــارس ۲۰۲۳، در قطعنامهٔ ۲۷۶/۷۷ مجمع عمومی ملل متحد، صلاحیت بررسی و صدور نظر مشورتی در مورد تعهدات اقلیمی دولت‌ها را به

1. Koloa Talake.

۲. توووالو (Tuvalu) کشور جزیره‌ای کوچک و مستقل در جنوب غربی اقیانوس آرام.

3. Johnson Toribiong.

۴. پالائو (Palau) کشور کوچک جزیره‌ای در غرب اقیانوس آرام.

5. Philippe Sands.

6. Honolulu Hawaii.

۷. وانواتو (Vanuatu) کشور مستقل جزیره‌ای در جنوب غربی اقیانوس آرام.

دســت آورد. دیوان پس از دریافت و بررسی ۹۱ بیانیهٔ کتبی، ۱۰۷ بیانیهٔ شفاهی و ۶۵ پاسخ کتبی و با حضور ۹۶ کشــور و ۱۱ سازمان بین‌المللی در جلسات حضوری یعنی با «بالاترین سطح مشارکت» در طول فعالیت ۸۸ســالهٔ خود، نظر مشــورتی خود را در ۳ جولای ۲۰۲۵ صادر کرد. دیوان تغییرات اقلیمی را تهدیدی «فوری و وجودی» توصیف کرده (ICJ, 2025: 73) و ۳۴ بار بر تعهدات دولت‌ها برای حافظت از سیستم آب‌وهوایی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای تأکید کرده است (Ibid: 409). دیــوان در پاراگــراف ۴۲۷، به‌طور خاص تعهدات کشــورها را در زمینهٔ تولید، مصرف و حمایت از سوخت‌های فســیلی بیان کرده و اقدام‌نکردن برای کاهش گازهای گلخانه‌ای و گذر از سوخت‌های فســیلی به انرژی‌های پاک، را موجب طرح مســئولیت دولت‌ها دانسته اســت (Ibid: 427). در رأی مشــورتی دیوان تأکید شده اســت که مطابق توافق‌نامهٔ پاریس هر کشوری «باید اقدامات کاهشی را با هدف دستیابی به اهداف سند مشارکت ملی (NDC) دنبال کند (Ibid: 234). مطابق رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری «تعهد به کاهش گازهای گلخانه‌ای مطابق "مشارکت‌های ملی تعیین‌شده" باید بلندپروازانه باشد و بالاترین جاه‌طلبی ممکن را منعکس کند» (Ibid: 242).

همان‌طور که قاضی «بهانداری»[1] و قاضی «کلیولند»[2] اشــاره کرده‌اند، منظور دیوان این است که ســند مشارکت ملی کشــورها (NDC) در دوره‌های بعدی باید بیانگر کاهش تدریجی و نهایتاً توقف تولید و مصرف ســوخت‌های فســیلی مطابق با اهداف توافق‌نامهٔ پاریس باشد (Ibid: 19). همچنین مطابق نظر مشــورتی دیوان بین‌المللی دادگســتری تعهد به کاهش گازهای گلخانه‌ای تعهدی ماهوی، فردی، رفتاری (تعهد به وســیله و نه تعهد به نتیجه) اســت (Ibid: 251)، اما نوآوری دیوان در تبیین تعهد به کاهش انتشــار گازهای گلخانه‌ای در پاراگراف ۴۲۱ دیده می‌شــود. دیوان در پاراگراف ۴۴۰ ابتدا به ماهیت اِرگا اُومنِسی حقوق بین‌الملل تغییرات آب‌وهوایی، اشاره و بیان کرده است که تعهدات کشورها به کاهش انتشار از تعهدات عام‌المنفعه است (Ibid: 440) در نتیجه، همهٔ کشورها در تعهد به کاهش انتشــار گازهای گلخانه‌ای، نفع قانونی دارند (Ibid: 441). از این رو، هر دولتی علاوه‌بر دولت آسیب‌دیده (دولت قربانی) حق دارد به مسئولیت دولت دیگر (دولت خاطی) استناد کند.

۵. تحلیل انتقادی، تطبیقی و عملکردی

۵-۱. تحلیل انتقادی از ساختار حقوق بین‌الملل تغییرات اقلیمی

فقــدان یک قــوهٔ مجریهٔ فوق کشــورها، نبود مرجع قانون‌گــذاری بین‌المللــی و حاکم‌بودن «اصل رضایی‌بــودن پذیرش معاهدات» مطابق مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانســیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹، مقابله با تغییرات اقلیمی را با چالش‌های فراوانی مواجه کرده اســت. به ضعف‌های ساختاری اشاره‌شده

1. Dalveer Bhandari.
2. Sarah Cleveland.

باید کاستی‌ها و نواقص معاهدات اقلیمی را افزود (نخعی، ۱۴۰۰: ۳۶). مبهم و کلی‌بودن تعهدات دولت‌ها در کنوانسیون چهارچوب، موفق‌نبودن پروتکل کیوتو در تحمیل تعهدات اقلیمی به اقتصادهای نوظهور مانند چین و هند (Keohane and Victor, 2011: 7) و تعهدات داوطلبانه و غیرالزام‌آور توافق‌نامهٔ پاریس (Susskind, 2017: 25) موجب شده است تا بسیاری از دولت‌ها به تعهدات بین‌المللی خود عمل نکنند؛ به‌طوری که بیشتر حقوقدانان استدلال می‌کنند که دعاوی اقلیمی عمدتاً به دلیل ضعف‌های ساختاری حقوق بین‌الملل تغییرات اقلیمی پدیدار شده‌اند. البته کنکاش در آثار و نتایج دعاوی اقلیمی نشان می‌دهد که این آرای قضایی توانسته‌اند خلأها و شکاف‌های میان «قانون موجود» (Lex Lata) و «قانون مطلوب» (Lex Ferenda) را پُر کنند. برای مثال آرای قضایی جدید تعهدات اقلیمی را تعهدات عرفی و همگانی تلقی کرده‌اند که برای همهٔ دولت‌ها حتی دولت‌هایی که عضو معاهدات اقلیمی نیستند، الزام‌آورند (IACtHR, 2025: 95; ICJ, 2025: 409; EctHR, 2024: 67). آرای قضایی همچنین نشان دادند که موانع تحقق مسئولیت بین‌المللی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای برطرف‌شدنی هستند (Sukumaran, 2017: 441).

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریهٔ مشورتی خود (۲۰۲۵) ضمن اذعان به پیچیدگی اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از تغییرات اقلیمی مقرر می‌دارد: «[قصور] یک دولت در اتخاذ اقدام مناسب (مقتضی) برای محافظت از سیستم آب‌وهوایی در برابر انتشار [گازهای گلخانه‌ای] عمل متخلفانهٔ بین‌المللی است و قابلیت انتساب به دولت خاطی را دارد» (ICJ, 2025: 427). در مقابل برخی از شرکت‌کنندگان در جلسات صدور نظر مشورتی، استدلال کردند که اعمال قواعد مربوط به مسئولیت دولت‌ها در زمینهٔ تغییرات اقلیمی به دلیل خلاف‌نبودن تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی بسیار دشوار است (Ibid: 426). با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری اظهار کرد که هر دولتی به سبب اتخاذنکردن اقدامات نظارتی و قانونی لازم برای محدودکردن میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، مسئول شناخته می‌شود (Ibid: 428). دیوان با بازتعریف قواعد مسئولیت بین‌المللی در ادامه تأکید می‌کند که در این خصوص، عمل متخلفانهٔ بین‌المللی، انتشار گازهای گلخانه‌ای نیست، بلکه نقض تعهدات عرفی و قراردادی است که موجب مسئولیت دولت‌ها می‌شود.

۵-۲. تحلیل تطبیقی آرای قضایی

بر اساس تحلیل تطبیقی آرای قضایی، تفاوت نظام‌های حقوقی در شکست یا موفقیت دعاوی اقلیمی بسیار تأثیرگذار است. در سطح ملی فارغ از چالش علیت، ماهیت و فراسرزمینی‌بودن منبع انتشار یا آسیب‌های ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای، موفقیت دعاوی اقلیمی عمیقاً به تفکیک قوا و نوع آن (مطلق یا نسبی) بستگی دارد. دکترین امر سیاسی به‌ویژه در آمریکا، مانع بزرگی بر سر راه طرح

دعاوی اقلیمی است. برای مثال در پروندهٔ کیوالینا دکترین امر سیاسی مانع از اعمال صلاحیت دادگاه شـد (Shuen, 2021: 408). علاوه‌بر این موارد، میزان پایبندی به تعهدات بین‌المللی نیز در موفقیت یا شکست دعاوی اقلیمی تأثیر دارد. برای نمونه با توجه به خروج آمریکا از پروتکل کیوتو در سال ۲۰۰۱ و توافق‌نامهٔ پاریس در سـال ۲۰۱۷ و پایبندی هلند به موافقت‌نامه‌های اقلیمی، کاملاً آشـکار است که دعاوی اقلیمی در آمریکا با شکست و در هلند با موفقیت مواجه شوند (Scharf, 2022: 1).

در سطح بین‌المللی «رویکرد لوتوسی»[1] مانع از رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری به مسئلهٔ تغییرات اقلیمی ناشـی از گازهای گلخانه‌ای شده است. با وجود حاکم‌بودن رویکرد دولت‌محوری در حقـوق بین‌الملل، دادگاه لاهه در نظریهٔ مشـورتی خود دربارهٔ تعهـدات اقلیمی دولت‌ها، که در ۳ جولای ۲۰۲۵ صادر کرد، نه در شـکل و نه در محتوا نتوانسـت به روش‌شناسی حقوق بین‌الملل پایبند بماند و سـرانجام اظهار کرد: «تعهدات دولت‌ها در زمینهٔ حفاظت از سیسـتم آب‌وهوایی در برابر انتشـار گازهای گلخانه‌ای، تعهدی عرفی و همگانی (اِرگا اُومنِسی) است» (ICJ, 2025: 73). همگانـی و عرفی‌بودن قواعد، مقـررات و تعهدات بین‌المللی (مانند توافق‌نامهٔ پاریس) به این معنا اسـت که همهٔ دولت‌ها دارای منافع قانونی در تضمین رعایت تعهدات اقلیمی‌اند و حق اسـتناد به مسئولیت سایر دولت‌ها را از طریق دعاوی اقلیمی در محاکم ملی و بین‌المللی دارند.

۵-۳. تحلیل عملکردی (کارآمدی و اثربخشی) آرای قضایی

سیاست انرژی شامل قوانین، مشوق‌های سـرمایه‌گذاری، دستورالعمل‌های انرژی، مالیات و سایر روش‌های سیاسـت عمومی اسـت. در تحلیل عملکردی (کارآمدی و اثربخشـی) آرای قضایی در سیاسـت‌های انـرژی ابتدا باید به دو نکتهٔ مهم توجه کرد: نخسـت، طرح دعـاوی علیه کربن (و نه دادرسـی‌های سبز) پیشـینهٔ پنج‌سـاله دارند، از این رو تجزیه‌وتحلیل کارآمدی دعاوی اقلیمی در تغییر سیاسـت‌های انرژی کشورها به سـمت انرژی‌های پاک مستلزم گذشت زمان است. نکتهٔ دوم اینکه طبق بررسـی‌ها، بیشـترین تأثیر آرای قضایی در سیاسـت‌های انرژی در بازنگری قوانین یا تصویب قوانین برای تسـریع در گذار به انرژی پاک بوده است (Blodgett, 2007: 12). تأثیر عملی آرای قضایی در سیاسـت‌های انرژی که در بازنگری قوانین یا تصویب قوانین بازتاب یافته اسـت، از سـوی شـاخص عملکرد تغییرات اقلیمی (سی.سـی.پی.آی) و ردیاب اقدامات اقلیمی (کات) صحت‌سنجی شده است.

چین: در چین پروندهٔ «دوسـتان طبیعت علیه شرکت برق دولتی گانسو» به صدور دستورالعمل ۲۴ماده‌ای از سوی دادگاه عالی چین در سال ۲۰۲۳ منجر شد که هدف آن کمک به کشور چین برای

1. The Lotus approach.

دســتیابی به اهداف اقلیمی خود در زمینهٔ کاهش انتشــار دی‌اکسید کربن قبل از سال ۲۰۳۰ و تحقق کربن صفر قبل از ســال ۲۰۶۰ از طریق محاکم قضایی اســت (Zhang, 2025:6). این دستورالعملْ انتقال انرژی از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های پاک و تجارت کربن را پوشش داده و برای هریک از پرونده‌های مورد اختلاف، توصیه‌هایی ارائه کرده اســت. یک بند از این دستورالعمل دقیقاً رأی پروندهٔ «دوســتان طبیعت علیه شــرکت برق دولتی گانســو» را تأیید و تکرار کرده اســت و بر الزام شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری مداوم در انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید می‌کند.

قــوهٔ قضائیه چین بــا افزایش تعداد دعاوی اقلیمی، نظرهای راهنمــای دادگاه عالی را در مورد تســریع انتقــال انرژی به ادارهٔ ملی انرژی در ســال ۲۰۲۰ ارائه کرد. نظرهــای دادگاه عالی چین که همسو با «اعلامیهٔ کونمینگ»[1] کنفرانس جهانی قضایی در مورد محیط‌زیست در سال ۲۰۲۱ است، سرانجام به تدوین «قانون انرژی»[2] منجر شد (Fan and Liu, 2025:3). این قانون نشان‌دهندهٔ تغییر در سیاست‌های انرژی چین و همچنین به دنبال گسترش منابع انرژی تجدیدپذیر، کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و ارتقای امنیت انرژی (مواد ۱، ۵، ۳۴ و ۳۵) است (Zhang, 2025:6).

«پایــگاه دادهٔ قوانیــن تغییرات اقلیمــی جهان»[3] نیز تأثیــرات مثبت دعاوی اقلیمــی در تغییر سیاســت‌های انــرژی کشــور چین و تدوین قانــون انرژی را تأیید کرده اســت. اگرچــه رتبهٔ کلی سیاســت‌های اقلیمی چین مطابق ارزیابی کات «بســیار ناکافی» تخمین زده شده است، با توجه به شــاخص عملکرد تغییرات اقلیمی، در چند سال اخیر، چین پیشرفت چشمگیری در زمینهٔ دستیابی به اهداف گذار ســبز خود داشــته اســت. در ســال ۲۰۲۴، چین بیش از ۴۰درصد از ظرفیت انرژی تجدیدپذیر جهان را به خود اختصاص داده و ۸۱۸میلیارد دلار در گذار انرژی خود ســرمایه‌گذاری کرده است.

آمریــکا: در ایــالات متحدهٔ آمریکا با اینکه دولت فدرال ســال‌ها از اجــرای قانون هوای پاک برای محدودکردن انتشــار گازهای گلخانه‌ای پرهیز می‌کرد، ســرانجام در پرتوی آرای قضایی و در پروندهٔ «ماساچوســت علیه ســازمان حفاظت از محیط‌زیســت»،[4] دیوان عالی کشور مجبور شد تا برای اولین بار حکم بدهد که قانون هوای پاک به ســازمان حفاظت از محیط‌زیســت اختیار تنظیم و نظارت بر انتشــار گازهای گلخانــه‌ای را می‌دهــد (Goldgrub, 2017:287). قبل از صدور این حکم، «ســازمان حفاظت محیط‌زیست آمریکا»[5] استدلال می‌کرد که کنگره تعدادی قانون مربوط به

1. The Kunming Declaration of the World Judicial Conference on Environment in 2021.
2. China's Energy Law 2025.
3. Climate Change Laws of the World (CCLW).
4. Massachusetts v. EPA, 549 U.S. 497 (2007).
۵. EPA (Environmental Protection Agency).

تغییرات اقلیمی تصویب کرده است، اما هیچ‌یک از این قوانین به‌صراحت تنظیم گازهای گلخانه‌ای را الزامی نکرده‌اند (Heinzerling, 2008: 2). بنابراین، سازمان حفاظت محیط‌زیست آمریکا در دستورالعملی مقرر کرده بود که دی‌اکسید کربن از منابع آلایندهٔ هوا محسوب نمی‌شود و نمی‌توان برای آن طبق قانون هوای پاک[1] محدودیت یا سقف انتشار تعیین کرد (Blodgett, 2007: 5). اما همان‌طور که پایگاه دادهٔ قوانین تغییرات اقلیمی جهان نیز اشاره کرده است، پروندهٔ «ماساچوست علیه آژانس حفاظت از محیط‌زیست» در شناسایی گازهای گلخانه‌ای به‌منزلهٔ منابع آلاینده در آمریکا نقش بسزایی داشته است.

همچنین رأی دیوان عالی آمریکا در پروندهٔ «هلد علیه ایالت مونتانا»، مقامات ایالت مونتانا را ملزم به بازنگری در قانون سیاست محیط‌زیستی مونتانا کرده است. از بُعد نظری این دادخواست به دلیل رویکرد پیشگیرانهٔ خود در پاسخ‌گو نگه‌داشتن سازمان‌های دولتی علاوه‌بر نسل‌های فعلی، برای نسل‌های آینده و اکوسیستم‌ها نیز مهم است. در مورد تأثیرات عملی این رأی در سیاست‌های انرژی آمریکا در سطح ایالتی باید گفت که دیوان عالی، مقامات ایالت مونتانا را ملزم به بازنگری در قانون سیاست محیط‌زیستی مونتانا کرد و قانون سیاست محیط‌زیستی مونتانا از طریق لایحهٔ ۲۲۱ تغییر کرد. قانون جدید پروژه‌های مرتبط با سوخت فسیلی و انتشار گازهای گلخانه‌ای را تعریف و ادارهٔ کیفیت محیط‌زیست را به تدوین دستورالعملی برای زمان و نحوهٔ انجام ارزیابی‌های انتشار گازهای گلخانه‌ای ملزم کرده است (Bookman, 2024: 7). بی‌تردید ارزیابی آثار محیط‌زیستی قبل از صدور مجوز اکتشاف، استخراج و تولید سوخت‌های فسیلی، موجب کاهش انتشار کربن خواهد شد.

هند: در هند «پروندهٔ ریدهیما» با اینکه در دیوان عالی کشور در حال بررسی است، اما به دنبال صدور دستور دیوان عالی هند، وزارت انرژی به‌عنوان یکی از هشت وزارتخانهٔ فراخوانده‌شده به پرونده، سند مشارکت ملی اقلیمی (NDC) را بازنگری کرده است (Preeti et al., 2025: 1). اهداف به‌روزشدهٔ سند مشارکت ملی اقلیمی هند شامل کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به میزان ۴۵درصد تا سال ۲۰۳۰ (از سطح سال ۲۰۰۵)، تأمین ۵۰درصد انرژی از منابع انرژی پاک تا سال ۲۰۳۰ و دستیابی به انتشار خالص صفر گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۷۰ است. مطابق ارزیابی کات، رتبه‌بندی سند مشارکت ملی هند، یک رده بهبود یافته و از «بسیار ناکافی» به «ناکافی» رسیده است. از دیگر تأثیرات عملی قابل توجه پروندهٔ ریدهیما پاندی در سیاست‌های انرژی هند، سیاست ملی پشت‌بام‌های خورشیدی، برقراری بازار کربن داوطلبانهٔ داخلی و طرح ابتکار «سبک زندگی پایدار» برای مبارزه با تغییرات اقلیمی است.

1. Clean Air Act (CAA).

در مارس ۲۰۲۴، برنامهٔ محیط‌زیست سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در حمایت از ابتکار «سبک زندگی پایدار» هند برای مبارزه با تغییرات اقلیمی تصویب و اعلام کرد که ابتکارات ملی موفق می‌توانند الگویی برای سایر کشورها باشند (UNEP, 2024: 1). اقتصاد هند با راه‌اندازی «مأموریت ملی هیدروژن سبز»[1] که هدف آن تسریع استقرار هیدروژن سبز به‌عنوان منبعی از انرژی پاک و تولید پنج‌میلیون تن هیدروژن سبز تا سال ۲۰۳۰ است، گامی دیگر به سمت کربن‌زدایی برداشته است.

به نظر «فون بیسالبوتر»، در هند، دعاوی اقلیمی به دلیل نظام سیاسی دموکراتیک و قوهٔ قضائیهٔ بسیار مستقل و فعال، بیشترین تأثیر را در سیاست‌های انرژی داشته است (Bisalbutr, 2021: 272). با توجه به شاخص عملکرد تغییرات اقلیمی ۲۰۲۵، می‌توان گفت دعاوی اقلیمی در هند توانسته‌اند تغییرات ملموسی در سیاست‌های انرژی و کاهش انتشار کربن پدید آورند.

آلمان: در ۲۹ آوریل ۲۰۲۱، دیوان عالی آلمان به دولت دستور داد تا برنامه‌ای دقیق‌تر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ارائه دهد. این دیوان اعلام کرد که قانون تغییرات اقلیمی سال ۲۰۱۹ به سبب ناسازگاری با حقوق اساسی و بی‌توجهی به توسعهٔ انرژی‌های پاک، مغایر با قانون اساسی است. بر اساس افزایش دعاوی اقلیمی از جمله مطرح‌شدن پروندهٔ «لوسیانو لیویا علیه شرکت برق آلمانی آروِ اگ» در ۱۵ جولای ۲۰۲۴، «قانون اقدام اقلیمی»[2] طبق توافق‌نامهٔ پاریس و مادهٔ ۱۵ «آیین‌نامهٔ حکمرانی اروپا»[3] مورد اصلاح قرار گرفت. مطابق بند دوم بخش ۱۵ این قانون، رسیدن به کربن صفر از اهداف دولت آلمان است و این هدف با تأمین انرژی از طریق منابع انرژی تجدیدپذیر و تغییر سیاست‌های انرژی از طریق انتقال به انرژی‌های پاک محقق می‌شود. مطابق بند سوم بخش ۱۵ قانون اقدام اقلیمی (۲۰۲۴)، آژانس محیط‌زیست فدرال باید بر فعالیت شرکت‌ها، آژانس‌ها و اشخاص حقوقی خصوصی نظارت کند تا اطمینان حاصل شود که این نهادها تحقق کربن صفر را از طریق انتقال از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های پاک دنبال می‌کنند.

«مارکوس کربر»،[4] رئیس شرکت آروِ اگ، بعد از مطرح‌شدن پروندهٔ لوسیانو لیویا، اظهار کرد که در شرکت برق آلمانی آروِ اگ میلیاردها یورو سرمایه‌گذاری برای انرژی‌های پاک آغاز شده و تلاش شده است که زغال‌سنگ از فرایند تولید برق تا سال ۲۰۳۰ حذف شود (RWE, 2022: 4).

مطابق ارزیابی «کات» رتبهٔ کلی اقدامات اقلیمی آلمان پس از اصلاح قانون اقدام اقلیمی از «ناکافی» به «تقریباً ناکافی» رسیده است. با توجه به ارزیابی کات و همچنین طبق شاخص عملکرد

1. National Green Hydrogen Mission.
2. Federal Climate Action Act (Federal Law Gazette I, p. 2513), as last amended by Article 1 of the Act of 15 July 2024 (Federal Law Gazette I No. 235).
3. (EU) 2018/1999 of the European Parliament and of the Council of 11 December 2018.
4. Marcus Kerber.

تغییرات اقلیمی ۲۰۲۵، می‌توان گفت دعاوی اقلیمی توانسته‌اند تغییرات ملموسی در سیاست‌های انرژی و کاهش انتشار کربن ایجاد کنند.

فیلیپین: در فیلیپین رأی کمیسیون حقوق بشر در پروندهٔ بزرگ‌ترین انتشاردهندگان کربن موجب شد تا دولت فیلیپین «طرح انرژی فیلیپین» (PEP)[1] را در سال ۲۰۲۴ منتشر کند. این طرح اهداف انرژی تجدیدپذیر را تا سال ۲۰۳۰ به ۳۵درصد، تا سال ۲۰۴۰ به ۵۰درصد و تا سال ۲۰۴۰ به بیش از ۵۰درصد افزایش می‌دهد (PIP, 2024: 2). در سال ۲۰۲۲، هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی که معتبرترین نهاد علمی در مورد تغییرات اقلیمی است در گزارش سال ۲۰۲۲ خود اذعان کرده است که رأی کمیسیون حقوق بشر فیلیپین در سیاست‌های انرژی و رفتار شرکت‌ها تأثیر عملی گذاشته است (IPCC, 2022: 45).

طبق برخی تحقیقات نیز پس از تشکیل پروندهٔ بزرگ‌ترین انتشاردهندگان کربن، ارزش سهام شرکت‌های خواندهٔ دعوا با کاهش ۰٫۵۷درصدی ارزش سهام مواجه شد و پس از صدور رأی محکومیت، ارزش سهام آن‌ها ۱٫۵۰درصد کاهش یافت (Sato et al., 2024: 1461). گفتنی است تأثیر دعاوی اقلیمی در کاهش قیمت سهام، لطمه به شهرت تجاری، رتبه‌بندی اعتباری، کاهش ارزش شرکت باعث حرکت شتابان شرکت‌های نفتی به سوی انرژی‌های پاک می‌شود.

پاکستان: در پاکستان، رأی دادگاه در پروندهٔ لغاری (۲۰۱۵) به تهیه و اجرای یک طرح اصلاحی ملی برای کاهش آثار تغییرات اقلیمی و تشکیل «کمیسیون تغییرات اقلیمی» (CCC)،[2] تصویب قانون تغییرات اقلیمی پاکستان (۲۰۱۷) و تأسیس ادارهٔ تغییرات اقلیمی پاکستان منجر شد. یکی از وظایف کمیسیون تغییرات اقلیمی مطابق پاراگراف ۱۰ و ۱۹ بررسی امنیت انرژی و تدوین سیاست‌های انرژی همسو با تعهدات اقلیمی است (Asghar Leghari V Federation of Pakistan, 2015: 10). کمیسیون تغییرات اقلیمی سیاست انرژی جایگزین و تجدیدپذیر را پیگیری کرد و موجب تصویب قانون (XXVI 2023)[3] در راستای اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های گوناگون در زمینهٔ توسعهٔ انرژی‌های تجدیدپذیر شد. هدف اصلی کمیسیون تغییرات اقلیمی تضمین اجرای سیاست ملی تغییرات اقلیمی (۲۰۱۲) و سند چهارچوب تغییرات اقلیمی (۲۰۱۴–۲۰۳۰) به شیوه‌ای نظام‌مند و سازمان‌یافته بود. این کمیسیون موظف شد تا گزارش‌هایی را مطابق جدول زمانی به دادگاه ارائه دهد.

برخی بر این باورند که حکم دادگاه عالی لاهور پاکستان در پروندهٔ لغاری حتی پیشرفته‌تر از پروندهٔ اورجاندا بوده است؛ به‌طوری که موجب شناسایی علل و منبع انتشار گازهای گلخانه‌ای در

1. The Philippine Energy Plan (PEP) 2016-2030.
2. Climate Change Commission (CCC).
3. Act No.)XXVI(Of 2023. 11086 (2O23) lEx. Gaz.l, Islamabad, ,he 6th Jrme, 2023.

سطح ملی، تلاش برای جلوگیری از دخالت‌های انسانی و تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و افزایش چاه‌های کربن و مهم‌تر از همه زمینه‌ساز طرح دعاوی علیه کربن در محاکم پاکستان شد (Colby et al., 2020: 182). «مری لالور»،[1] گزارشگر ویژه در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر، در بند ۳۳ گزارش خود اذعان می‌دارد که پروندهٔ اصغر لغاری الگویی برای سایر دعاوی اقلیمی در کشورهای جنوب است (United Nations, 2025: 33). منطق و استدلال‌های حقوقی حکم لغاری در دیگر آرای قضایی از جمله پروندهٔ «شرکت سیمان دی. جی. خان علیه دولت»[2] کاملاً قابل مشاهده است.

دادگاه عالی لاهور در سال ۲۰۱۵، از طریق راهکاری نهادی یعنی تشکیل کمیسیون تغییرات اقلیمی و نظارت قضایی مداوم، سیاست‌های اقلیمی مندرج در اسناد اقلیمی را عملیاتی کرد. دادگاه عالی لاهور هیچ‌گونه اهداف انتشاری را برای دولت دیکته نکرد، بلکه صرفاً با نظارت قضایی تعهد به انطباق و تعهد به کاهش انتشار کربن را تسریع کرد. دادگاه عالی لاهور در حکم نهایی خود در سال ۲۰۱۸، مجدداً تأکید کرد که «تغییرات اقلیمی یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای نسل کنونی است»، سپس رویهٔ نظارت قضایی مداوم و پایش مکرر اقدامات اقلیمی دولت را در پیش گرفت (Barkat et al., 2025: 214). البته با توجه به اینکه کشورهای جنوب جزو انتشاردهندگان بزرگ کربن نیستند و بیشتر قربانی تغییرات اقلیمی به شمار می‌روند، رواج دعاوی اقلیمی از لحاظ مسئولیت مدنی (خسارات اقلیمی و پرداخت غرامت) اهمیت بیشتری دارد.

هلند: در هلند آرای صادره در پرونده‌های اورجاندا و میلیودیفنسی، موجب شد تا دولت هلند فعالیت نیروگاه‌های زغال‌سنگ را متوقف، قانون جدید آب‌وهوایی (۲۰۲۲) را تصویب و سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در انرژی‌های پاک را آغاز کند (Maxwell, 2023: 4). قانون اقلیمی جدید اهدافی را برای تأمین انرژی عاری از دی‌اکسید کربن تا سال ۲۰۳۵ تعیین می‌کند. هدف این قانون کاهش ۵۵درصدی انتشار خالص گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰ در مقایسه با سطح سال ۱۹۹۰ است (Verschuuren, 2019: 97). سیاست‌های انرژی هلند با هدف افزایش دعاوی اقلیمی بر سه اصل عادلانه‌بودن، اجراپذیری و عاری از کربن استوار شده است (Erbach and Dewulf, 2024: 3).

طبق شاخص عملکرد تغییرات اقلیمی ۲۰۲۵، هلند پس از دانمارک، بهترین عملکرد را در گسترش انرژی‌های پاک داشته است. بعد از صدور رأی دادگاه هلند علیه شرکت شل، هیئت‌مدیرهٔ ۱۲نفرهٔ شرکت تلاش برای تغییر الگوی تجارت را از انرژی‌های فسیلی به انرژی‌های پاک آغاز کرد (Kolaric, ۲۰۲۴: ۳۱۵۲). آرای صادره در پروندهٔ اورجندا و میلیودیفنسی آثار اصلاحی و

1. Mary Lalor.
2. D.G. Khan Cement Company v. the Government of Punjab, 2021 SCMR 834.

انضباطی عمیقی داشــته اســت؛ به‌طوری که از آن‌ها به‌عنوان قوی‌ترین آرای اقلیمی یاد می‌شــود (Lantz, 2020: 145).

ایرلند: در ایرلند با توجه به اینکه صدور رأی در پروندهٔ «دوستان محیط‌زیست علیه دولت» موجب اصلاح برنامهٔ اقدام اقلیمی (۲۰۲۱) بنا بر دســتور دیوان عالی کشــور شــد (Kelleher, 2021: 138)، می‌توان گفت دعاوی اقلیمی توانســته‌اند تغییرات ملموســی در سیاست‌های انرژی و کاهش انتشار کربن پدید آورند. در این پرونده، دیوان عالی ایرلند طرح ملی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای (۲۰۱۷) را به دلیل همسونبودن با استانداردها و تعهدات بین‌المللی، ناکافی دانست و لغو کرد (Renglet, 2020: 163). رأی صادره دولت را ملزم به ارائهٔ سندی دقیق‌تر کرد. بر همین اساس، سند اصلاح‌شده با عنوان برنامهٔ اقدام اقلیمی (۲۰۲۱)، نقشــهٔ راهی برای به نصف‌رســاندن گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰ و دستیابی به کربن صفر تا حداکثر سال ۲۰۵۰، ارائه داده است و از عرضهٔ مداوم و مطمئن انرژی با هزینهٔ کمتر از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر پشتیبانی می‌کند (DCEE, 2025: 6).

طبــق شــاخص عملکرد تغییرات اقلیمی ایرلند در ســال ۲۰۱۹ بدترین عملکــرد را با رتبهٔ ۴۸ داشت، اما پس از اصلاح و بازنگری در برنامهٔ اقدام اقلیمی در سال ۲۰۲۱ (رتبهٔ ۳۹)، در سال ۲۰۲۲ (رتبهٔ ۲۹) و ۲۰۲۳ (رتبهٔ ۲۳) را کسب کرده است که سیر نزولی رتبهٔ عملکرد اقلیمی نشان از بهبود اقدامات اقلیمی این کشور دارد.

نتیجه‌گیری

برای الزام دولت‌ها به اتخاذ اقدامات مناسب اقلیمی و همچنین برای پاسخ به مسائل نوظهور و پرکردن شکاف‌های موجود، آرای قضایی سازوکار مناسبی‌اند. صدور سه نظر مشورتی مهم از مراجع قضایی بین‌المللی (ICJ, IACtHR, ITLOS) و یک رأی ترافعی از دادگاه اروپایی حقوق بشر (ECtHR) در خصوص تعهدات اقلیمی، دورهٔ بیــن ۲۰۲۴–۲۰۲۵ را به نقطه‌عطفی برای حقوق بین‌الملل تغییرات اقلیمی تبدیل کرده است. در سطح ملی نیز پرونده‌های اقلیمی در کشورهای گونگون موجب تحول در سیاست‌های انرژی شده‌اند؛ تحولاتی که معاهدات اقلیمی قادر به ایجاد آن نبوده‌اند. با توجه به نقش مؤثر آرای قضایی در گذار انرژی در این تحقیق به‌صورت مفصل دعاوی اقلیمی علیه انتشار کربن و ســوخت‌های فسیلی بررسی شــده است. برخلاف تحقیقات مشابه دامنهٔ پژوهش محدود به کشور یا کشورهای خاص نبوده و سعی شده است تا دعاوی اقلیمی هم در کشورهای جنوب جهانی (پاکستان، هند، نیجریه) و هم در کشورهای شمال (هلند، آلمان، آمریکا) بررسی شوند. علاوه‌بر گسترهٔ جغرافیایی پرونده‌ها، استفاده از روش تطبیقی و صحت‌سنجی آثار عملی دعاوی اقلیمی در انتقال به انرژی‌های پاک از ســوی شاخص عملکرد تغییرات اقلیمی (سی.سی.پی.آی) و ردیاب اقدامات اقلیمی (کات)،

نوآوری و تمایز تحقیق حاضر با سایر پژوهش‌های مشابه را نشان می‌دهد. مهم‌ترین تأثیرات آرای قضایی در زمینهٔ تغییر سیاست‌های انرژی عبارت‌اند از:

۱. آرای قضایی (پاراگراف ۱۱۰ کمیسیون حقوق بشر فیلیپین، پاراگراف ۳۵۳ رأی مشورتی دیوان آمریکایی حقوق بشر، پاراگراف ۴۱۹ رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در پروندهٔ کلیما سنیورینن و پاراگراف ۶۵ رأی دادگاه هلند در پرونده میلیودیفنسی) برخلاف معاهدات اقلیمی «مسئولیت مستقل و فردی» شرکت‌های تجاری را مورد شناسایی قرار داده‌اند. شناسایی مسئولیت مستقل و فردی شرکت‌های فراملی در قبال تعهدات اقلیمی، شرکت‌ها را ملزم می‌کند تا نقش حیاتی خود را برای رساندن انتشار گازهای گلخانه‌ای به صفر خالص تا سال ۲۰۵۰ ایفا کنند، که در توافق‌نامه‌های کپنهاگ (۲۰۰۹)، کانکون (۲۰۱۰)، پاریس (۲۰۱۵)، گلاسکو (۲۰۲۱)، امارات (۲۰۲۳) و باکو (۲۰۲۴)، از طریق اصلاح سیاست‌های تجاری و تغییر مدل تجارت از نفت و گاز به انرژی‌های پاک تأکید شده است.

۲. دستیابی به اهداف توافق‌نامهٔ پاریس از جمله محدودکردن گرمایش جهانی به ۱.۵درجهٔ سانتی‌گراد، منوط به توقف تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی است. با این حال، علاوه‌بر آنکه ممنوعیت قانونی صریحی در زمینهٔ تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی در معاهدات اقلیمی پیش‌بینی نشده است، شبکهٔ درهم‌تنیده‌ای از هنجارهای ملی و بین‌المللی بهره‌برداری، تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی را نیز امکان‌پذیر و تثبیت کرده است. اما آرای قضایی از جمله پاراگراف‌های ۸۵، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۵۱ رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و پاراگراف ۱۰۸ رأی کمیسیون حقوق بشر فیلیپین به‌روشنی بر لزوم کاهش، حذف تدریجی و توقف کامل سوخت‌های فسیلی و انتقال به انرژی‌های پاک تأکید کرده‌اند. این رویکرد جسورانه بزرگ‌ترین تحول در زمینهٔ گذار انرژی است. اینکه کشورهای تولیدکنندهٔ نفت (به‌ویژه عربستان) در پاسخ‌های کتبی خود بر پرسش قاضی کلیولند (دسامبر ۲۰۲۴) تأکید می‌کنند که تولید نفت علاوه‌بر اینکه از سوی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست منع نشده، مورد حمایت نیز قرار گرفته است به این علت است که خوب می‌دانند با این رأی مشورتی دیوان (پاراگراف ۴۲۷) با خیل عظیمی از دعاوی اقلیمی مواجه خواهند شد.

۳. تفسیر جدید مراجع قضایی از تعهدات اقلیمی به‌مثابهٔ «تعهدات عرفی» و «تعهدات اِرگا اُومنِسی» (Erga Omnes) به این معنی است که تعهدات اقلیمی برشمرده برای همهٔ کشورها، حتی کشورهای غیرعضو الزام‌آورند. به این ترتیب، مسئولیت دولت‌ها در خصوص نقض تعهدات اقلیمی می‌تواند از سوی هر کشوری استناد شود. استناد به مسئولیت دولت خاطی در سطح بین‌المللی از سوی دولت‌ها و در سطح ملی نیز از سوی شهروندان علیه

شرکت‌های خصوصی یا دولت‌ها امکان‌پذیر است. تلقی مراجع قضایی از تعهدات اقلیمی به‌منزلهٔ «تعهدات همگانی و عام‌الشمول» و همچنین با توجه به نپیوستن برخی کشورها به معاهدات اقلیمی یا خروج برخی کشورها مانند آمریکا از معاهدات اقلیمی پیشرفت چشمگیری است. با توجه به چنین تفسیری از تعهدات اقلیمی، کشورها نمی‌توانند برای توجیه انجام‌ندادن تعهدات خود به عضویت‌نداشتن در معاهدات اقلیمی استناد کنند.

۴. دعاوی اقلیمی با کارکردهای گوناگون خود از جمله کارکرد نظارتی (ایجاد نهاد نظارتی)، کارکرد قانونی (الزام به تصویب و بازنگری در قوانین)، کارکرد اجرایی (دستور مستقیم به دولت برای توسعهٔ انرژی‌های پاک)، کارکرد تنبیهی و جبرانی (دستور به پرداخت غرامت)، کارکرد مشاوره‌ای (راهنمایی و آگاهی‌بخشی) باعث تغییر الگوی انرژی کشورها به‌شکل مؤثر و واقعی شده‌اند. به عبارتی دعاوی اقلیمی از طریق اجبار به اتخاذ اقدامات نظارتی (پروندهٔ اصغر لغاری در پاکستان و تشکیل کمیسیون تغییرات اقلیمی برای نظارت بر تعهدات اقلیمی دولت)، اجبار به اتخاذ اقدامات قانونی (پروندهٔ دوستان محیط‌زیست علیه دولت ایرلند و اصلاح برنامهٔ اقدام اقلیمی، پروندهٔ جونا گبمر و تصویب قانون تغییرات اقلیمی در نیجریه، پروندهٔ هلد علیه ایالت مونتانا و بازنگری در قانون سیاست محیط‌زیستی مونتانا)، کارکرد اجرایی و دستور مستقیم به دولت برای انجام اقدامات قوی‌تر و مؤثرتر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای (پروندهٔ اورجاندا و پروندهٔ میلیودیفنسی و توقف فعالیت نیروگاه‌های زغال‌سنگ و تأسیس نیروگاه‌های تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاری گسترده در انرژی‌های پاک)، کارکرد مشاوره‌ای (آرای مشورتی اقلیمی دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان آمریکایی حقوق بشر، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها) و صدور احکام گسترده و سیاسی (پروندهٔ ماساچوست علیه آژانس حفاظت از محیط‌زیست)، در تغییر سیاست‌های انرژی کشورها مؤثر بوده‌اند. بنا به گفتهٔ «دیوید هانتر»، حتی دعاوی ناموفق (پروندهٔ جولیانا، پروندهٔ کیوالینا، پروندهٔ ویرجینیای غربی علیه سازمان حفاظت از محیط‌زیست آمریکا) نیز تأثیرات بسزایی در افزایش آگاهی‌های عمومی و مشارکت شهروندان در نظارت بر سیاست‌های انرژی دارند. «پسیوپاتی» در مورد اینکه آیا دعاوی اقلیمی اثر «واقعی» یا «نمادین» دارند، می‌نویسد، پروندهٔ «مهتا علیه دولت هند» برای نجات «تاج محل» از معضل آلودگی موجب تعطیلی بیش از ۶۰۰ صنعت آلاینده در اطراف این گنجینهٔ ملی شد. در پژوهش حاضر نیز صحت‌سنجی نمونه‌های عینی و موردی پرونده‌های اقلیمی با کمک داده‌های شاخص عملکرد تغییرات اقلیمی (سی.سی.پی.آی) و ردیاب اقدامات اقلیمی (کات) نشان می‌دهد که دعاوی اقلیمی در تغییر الگوی انرژی کشورها مؤثر است.گزارش سال ۲۰۲۲، هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی

که معتبرترین نهاد علمی در مورد تغییرات اقلیمی است نیز اذعان کرده که دعاوی اقلیمی در سیاست‌های انرژی و رفتار دولت‌ها در زمینهٔ انتقال انرژی تأثیرگذار بوده است.

منابع

۱. بودانسکی، دنیل؛ برونه، ژوتا و راجمانی، لاوانیا. (۱۴۰۳). **حقوق بین‌الملل تغییرات آب‌وهوایی**، ترجمهٔ حجت سلیمی ترکمانی، تهران: شهردانش.

۲. راعی دهقی، هاجر. (۱۴۰۳). **امکان‌سنجی طرح دعاوی آثار تغییرات اقلیمی بر محیط‌زیست دریایی در چهارچوب کنوانسیون حقوق دریاها**، مطالعات حقوق عمومی، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۵۴.

۳. رضائی، مسعود و غلامپور ارباستان، هومن. (۱۴۰۲). **بررسی فرصت‌های اجرای برنامهٔ مدیریت کربن در کشور**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر: مطالعات زیربنایی (گروه محیط‌زیست(، شمارهٔ ۱۹۵۵۳.

۴. سلمانی رضائی، محسن؛ امیری، مصطفی و افشاری، مریم. (۱۴۰۲). **نگاهی به نقش و جایگاه روابط بین‌الملل در پیشگیری از بلایای طبیعی زلزله در کشورهای حوزهٔ جغرافیایی ترکیه و سوریه**، فصلنامهٔ جغرافیا، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱۳.

۵. عبداللهی، محسن. (۱۳۸۹). **تغییرات آب‌وهوایی: تأملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی سازمان ملل متحد**، فصلنامهٔ حقوق، دورهٔ ۴۰، شمارهٔ ۱.

۶. عبداللهی، محسن؛ مشهدی، علی و فریادی، مسعود. (۱۳۹۱). **حقوق حفاظت از هوا**، تهران: میزان.

۷. کیریکو، اتاویو و بومقار، مولود. (۱۳۹۹). **تغییرات اقلیمی و حقوق بشر**، ترجمهٔ علی‌رضا گودرزی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۸. مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۳). **گزارش کمیسیون انرژی در خصوص اعمال مادهٔ ۲۳۴ قانون آیین‌نامهٔ داخلی مجلس شورای اسلامی»: اجرای ناقص تکالیف قانونی مربوط به جمع‌آوری گازهای همراه تولید نفت و مشعل**، کمیسیون انرژی، مجلس شورای اسلامی.

۹. نخعی، شهرام. (۱۴۰۰). **تغییرات آب‌وهوایی: علل پیدایش، پیامدها، راهکارها**، اصفهان: مانا.

10. Adelman, S. (2018). "**Human Rights in the Paris Agreement: Too Little, Too Late?**", Transnational Environmental Law, Vol.7, No 1.
11. Alter, K. J. (2021). "**The International Court of Justice in Comparison: Understanding the Court'S Limited Influence**", Melbourne Journal of International Law, Vol.21, No 3.
12. Barkat, A.; Jatoi, A. A. and Anjum, R. (2025). "**The Role of the Judiciary in advancing Climate Change Justice: A case study of Leghari v. Federation of Pakistan**", Annual Methodological Archive Research Review, Vol.3, No.8.
13. Barritt, E. M. and Sediti, B. (2019). "**The Symbolic Value of Leghari v Federation of Pakistan: Climate Change Adjudication in the Global South**", King's Law Journal, Vol.30, No.2.
14. Beck, S. and Burleson, E. (2014). "**Inside the System, Outside the Box: Palau's Pursuit of Climate Justice and Security at the UN**", Transnational Environmental Law, Vol.3, No.1.
15. Bisalbutr, F. (2021) "**The Potential Impact of Climate Change Litigation on Government Policy, Notre Dame**", Journal of International & Comparative Law, Vol.2, No.7: 272-292.
16. Blodgett, C. (2007). "**Climate Change Litigation in the USA**", Environmental Sciences, Vol.2, No.1.
17. Bodansky, D. (2017). "**The Role of the International Court of Justice in Addressing Climate Change: Some Preliminary Reflections**", Arizona State Law, Vol.49, No.3.
18. Bookman, S. (2024). "**What We Learned in Held v. Montana**", Harvard Environmental Law Review, Vol.49, No.1.
19. Clarke, A. M. (2023). "**Traversing the Environmental Regulation of the Nigerian Petroleum**

Industry and Environment from FEPA to the Petroleum Industry Act", IRE Journals, Vol.7, No.6.
20. Colangelo, G.; Spirto, G.; Milanese, M. and De Risi, A. (2021). "**Progresses in Analytical Design of Distribution Grids and Energy Storage**", Energies Journal, Vol.14, No.14.
21. Colby, H.; Ebbersmeyer, A. S.; Heim L. M. and Røssaak, M. K. (2020). "**Judging Climate Change: The Role of the Judiciary in the Fight Against Climate Change**", Oslo Law Review, Vol.7, No.3.
22. Coomans, F. (2003). "**The Ogoni Case Before The African Commission on Human and Peoples' Rights**", The International and Comparative Law Quarterly, Vol.25, No.3.
23. Cournil, C. and Tabau, A. S. (2015). "**New Perspectives for Climate Justice: District Court of The Hague**", 24 June 2015, Urgenda Foundation versus the Netherlands, Journal for European Environmental & Planning Law, Vol.12, No.3: 221-240.
24. Diaconu, L. C. (2021). "**The Time Is Now For The IACHR To Address Climate Action As A Human Right: Indigenous Communities Can Lead (Again)**", American Indian Law Journal, Vol.2, No.2: 215-240.
25. Erbach, G. and Dewulf, N. (2024). "**The Netherlands' Climate action Strategy, EPRS|European Parliamentary Research Service**", Roadmap to EU Climate Neutrality Scrutiny of Member States, PE 767.176.
26. Estrin, D. and Kennedy, Q. C. (2014). **Achieving Justice and Human Rights in an Era of Climate Disruption, International Bar Association**, 4th Floor, 10 St Bride Street, London EC4A 4AD. ISBN 978-0-948711-35-0, P.85.
27. Etemire, U. (2024). **Global Perspectives on Corporate Climate Legal Tactics: Nigeria National Report**, The British Institute of International and Comparative Law, Version 1.0 February, 57p.
28. Fan, M. and Liu, L. (2025). "**Portfolio of China's Renewable Energy Legal Measures: Conflicts in Application and Functional Harmonization**", Energy Journal, Vol.320, No.1.
29. Faure, M. G. and Nollkaemper, A. (2007). **Analyses of Issues to be Addressed Climate Change Litigation Cases**, Amsterdam International Law Clinic.
30. Ghosh, S. (2020). "**Litigating Climate Claims in India**", AJIL Unbound, Vol.114, No.1.
31. Goldgrub, M. Z. (2017). "**Could Foreign Judicial Climate Action Victories Influence American Legal Perspectives?**", Comparative Law Review, Vol.25, No.1.
32. Heidari, N. and Pearce, J. M. (2016). "**A Review of Greenhouse Gas Emission Liabilities as the Value of Renewable Energy for Mitigating Lawsuits for Climate Change Related Damages**", Renewable and Sustainable Energy Reviews, Vol.55, No.1.
33. Heinzerling, L. (2008). "**Climate Change in the Supreme Court**", Environmental Law, Vol.38, No.1.
34. Ichihara, M., Ikeda, N., Norigami, M., and Ushijima, H. (2024). "**Global Perspectives on Corporate Climate Legal Tactics: Japan National Report, British Institute of International and Comparative Law**", Japan National Report, Vol.1, No.1.
35. IPCC. (1996). **Climate Change 1995**, The IPCC Second Assessment Report Scientific-Technical Analyses of Impacts, Adaptations, and Mitigation of Climate Change, Contribution of Working Group II, Forming part of the IPCC Second Assessment Report, Published For The Intergovernmental Panel on Climate Change, Cambridge University Press.
36. IPCC. (2007). **Climate Change 2007: Synthesis Report**, Contribution of Working Groups I, II and III to the Fourth Assessment Report of the IPCC [Core Writing Team, Pachauri, R.K and Reisinger, A. (eds.)]. IPCC, Geneva, Switzerland.
37. IPCC. (2014). **Fifth Assessment Report (AR5)**, Intergovernmental Panel on Climate Change, Summary for Policymakers, in Climate Change 2013: The Physical Science Basis, Working Group II Report, (Thomas F. Stocker et al. eds., 2013).
38. IPCC. (2022). **Climate Change 2022 Mitigation of Climate Change**, Working Group III contribution to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change.
39. Kabeyi, B., Jeremiah, M. and Olanrewaju, O.A. (2021). "**Central versus Wellhead Power Plants in Geothermal Grid Electricity Generation**", Energ Sustain. Soc, Vol.11, No.1.

40. Karl, T.R., and Trenberth, K.E. (2003). "**Modern Global Climate Change**", Science, Vol.302, No.1.
41. Kelleher, O. (2021). "**A Critical Appraisal of Friends of the Irish Environment v Government of Ireland. Review of European**", Comparative & International Environmental Law, Vol.30, No.1.
42. Keohane, R. O. and Victor, D. G. (2011). "**The Regime Complex for Climate Change**", Perspectives on Politics, Vol.9, No.1.
43. Klein, R. J. T. and Huq, S. (2007). **Inter-Relationships Between Adaptation and Mitigation. Climate Change 2007**: Impacts, Adaptation and Vulnerability, Contribution of Working Group II to the Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change, M.L. Parry, O.F. Canziani, J.P. Palutikof, P.J. van der Linden and C.E. Hanson, Eds., Cambridge University Press, Cambridge, UK.
44. Kolaric, S. (2024). "**The Impact of Climate Litigation and Activism on Stock Prices: the Case of Oil and Gas Majors**", Springer, Vol.18, No.31.
45. Kumar, V. and Frank, W. (2018). "**Holding Private Emitters to Account for the Effects of Climate Change: Could a Case Like lliuya Succeed Under English Nuisance laws?**",Carbon & Climate Law Review (CCLR), Vol.12, No.2.
46. Lantz, K. (2020). "**The Netherlands v Urgenda Foundation: Lessons for Using International Human Rights Law in Canada to Address Climate Change**", Windsor Review of Legal and Social Issues, Vol.41, No.2.
47. Lee, S. (2025). "**Human Rights and Climate Litigation: Trends, Challenges, and Implications**", Korean Journal of International and Comparative Law, Vol.13, No.1.
48. Limon, M. (2010). "**Human Rights Obligations and Accountability in the Face of Climate Change**", Georgia Journal of International & Comparative Law, Vol.38, No.1.
49. Lin, J. and Kysar, D. A. (2020). **Using Human Rights Law to Address the Impacts of Climate Change: Early Reflections on the Carbon Majors Inquiry**, Cambridge: Cambridge University Press.
50. Mahaseth, H. and Goyal, S. (2021). "**Asghar Leghari and Environmental Justice: Transformative Climate Change Litigation Judgements one Step at a Time**", Chanakya Law Review, Vol.1, No.1.
51. Maldonado J., Shearer C., Bronen R., Peterson K. and Lazrus H. (2013). "**The Impact of Climate Change on tribal Communities in the US: displacement, Relocation, and Human Rights**", Climatic Change, Vol.120, No.3.
52. Maxwell, L. (2023). "**Climate Litigation Against National Governments: Breakthroughs and new Frontiers**", Presented to The first Annual Conference of the European Commission Legal Service, Vol.1, No.1.
53. Meguro, M. (2020). "**State of the Netherlands v.Urgenda Foundation**", American Journal of International Law, Vol.114, No.4.
54. Nascimento, L. (2023). "**Greenhouse Gas Mitigation Scenarios for Major Emitters Analysis of Current Climate Policies and Mitigation Commitments: 2023 update, NewClimate Institute**", PBL Netherlands Environmental Assessment Agency and International Institute for Applied Systems Analysis, Project, No.321043.
55. Nishikawa, Y. G. (2023). "**Japanese Climate Litigation and the Development of Personal Rights**", Chinese Journal of Environmental Law, Vol.7, No.1.
56. Nwobike, J. C. (2005). "**The African Commission on Human and Peoples' Rights and the Demystification of Second and Third Generation Rights under the African Charter: Social and Economic Rights Action Center (SERAC) and the Center for Economic and Social Rights (CESR) v. Nigeria**", African Journal, Vol.2, No.1: 129-146.
57. Olaoluwa, B. I. (2024). **Examination of the Recent Cases, New Regulations and Legislations in Renewable Energy in Nigeria. Faculty of Law**, Lead City University, Ibadan, Oyo state, Nigeria.
58. Onwuazombe, I. I. (2017). "**Human Rights Abuse and Violations in Nigeria: A Case Study of the Oil-Producing Communities in the Niger Delta Region**", Annual Survey of International & Comparative Law, Vol.22, No.1: 115-160.
59. Paiement, P. and Heri, C. (2025). "**Strengthening international climate obligations beyond Paris:**

Situating the ICJ's opinion within a comparative legal context", Public Law & Governance Global Law & Governance, Vol.73, No.2.

60. Paiement, P. (2023). **Reimagining the Energy Corporation: Milieudefensie and others v Royal Dutch Shell Plc**, In D. Dam-de Jong, & F. Amtenbrink (Eds.), Netherlands Yearbook of International Law 2021 T.M.C. Asser Press: A Greener International law-International Legal Responses to the Global Environmental Crisis, Vol. 52, pp. 281-299.
61. Peel, J. and Osofsky, H. M. (2018). "**A Rights Turn in Climate Change Litigation?**", Transnational Environmental Law, Vol.7, No.1.
62. PIP. (2024). **The Philippine Energy Plan (PEP) 2016-2030**, The Philippine Energy Plan Document Type Policy, Philippines.
63. Preeti, P., Guo, R., Cai, A. and Prasad, R. (2025). "**Navigating the Energy Transition in India: Challenges and Opportunities Towards Sustainable Energy Goal**", In Press, Journal Pre-Proof, Water-Energy Nexus, Vol.1, No.1: 1-20.
64. Preston, B. J. (2018). "**The Evolving Role of Environmental Rights in Climate Change Litigation**", Chinese Journal of Environmental Law, Vol.2, No.1.
65. Pues, F., Bowman, M. and Driscoll, J. (2024). "**Accelerating Climate Solutions through Youth-Focused Litigation: Report and Findings of Roundtables held at King's College London on 5 April 2024 and 6 December 2024**, Centre for Public Policy Research (CPPR) School of Education, Communication & Society Laws (King's College London), kcl.ac.uk/climate-law.
66. Renglet, C. (2020). "**The Decision of the Irish Supreme Court in Friends of the Irish Environment v Ireland: A Significant Step Towards Government Accountability for Climate Change?**", Carbon & Climate Law Review, Vol.14, No.3.
67. Sato, M., Gostlow, G., Higham, C., Setzer, J. and Venmans, F. (2024). "**Impacts of Climate Litigation on firm Value**", Nature Sustainability, Vol.7, No.1.
68. Scharf, M. P. (2022). "**Hugo Grotius and the Concept of Grotian Moments in International Law**", Case W. Res. J. Int'l L, Vol.17, No.54.
69. Setzer, J., and Vanhala, L. C. (2019). "**Climate Change Litigation: A Review of Research on Courts and Litigants in Climate Governance**", Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change, Vol.10, No.3.
70. Sharifi, A. and Yamagata, Y. (2016). "**Principles and Criteria for Assessing Urban Energy resilience: A Literature Review**", Renewable and Sustainable Energy Reviews, Vol.60, No.1.
71. Shuen, R. (2021). "**Addressing a Constitutional Right to a Safe Climate: Using the Court System to Secure Climate Justice**", The Journal of Gender, Race & Justice, Shuen.formatted (DO NOT DELETE), Vol.24, No.1.
72. Stallard, H. (2009). "**Turning up the Heat on Tuvalu: An Assessment of Potential Compensation for Climate Change Damage in Accordance with States Responsibility under International Law**", Canterbury Law Review, Vol.15, No.2.
73. Stillings, Z .L. (2014). "**Human Rights and the New Reality of Climate Change: Adaptation's Limitations in Achieving Climate Justice**", Michigan Journal of International Law, Vol.35, No.1.
74. Sukumaran, N. (2017). "**State Responsibility for Climate Change and the Unending Dilemmas**", Edu World, Vol. VIII, No.6.
75. Susskind, L. (2017). "**The Paris Climate Agreement: Insights and Implications**", The World Today, Vol.73, No.2.
76. Tabau, A. S. and Cournil, C. (2015). "**New Perspectives for Climate Justice: District Court of The Hague, 24 June 2015, Urgenda Foundation Versus the Netherlands**", Journal for European Environmental & Planning Law, Vol.12, No.1.
77. Tigre, M. A. (2024). "**Climate Litigation in the Global South: Mapping Report**", Sabin Center for Climate Change Law, Vol.8, No.1.
78. Tijjani, A., David, I. C. and Abike, S. M. (2025). "**Nigeria's Energy Transition: Challenges, Policy**

Initiatives, and Prospects for Sustainability", Asian Research Journal of Arts & Social Sciences, Vol.23, No.3.
79. Tolios, G. and Fragkos, P. (2024). "**Country Report Transition pathways for Iran**", E3-Modelling, NDC Aspect, No.101003866.
80. UNEP. (2023). **The Status of Climate Change Litigation**, A Global Review, Job No: DEL/2110/NA., P.O. Box 30552-00100, Publishing Services Section, Nairobi. Law Division, Kenya, United Nations Environment Programme.
81. Verschuuren, J. (2019). "**The State of the Netherlands v Urgenda Foundation: The Hague Court of Appeal Upholds Judgment Requiring the Netherlands to Further Reduce Its Greenhouse Gas Emissions**," Review of European, Comparative and International Environmental Law, Vol.28, No.1.
82. Wei, C. (2022). "**Climate Change**, Public Interest Litigation and the Development of Renewable Energy law in China-based on the analysis of Friends of Nature v Ningxia Grid Company", In Book: Climate Change, Responsibility and Liability.
83. Wewerinke-Singh, M., Aguon, J. and Hunter, J. (2021). **Bringing Climate Change before the International Court of Justice: Prospects for Contentious Cases and Advisory Opinions, In: Climate Change Litigation: Global Perspectives**, Editors: Ivano Alogna, Christine Bakker, and Jean-Pierre Gauci, Dutch Brill|Nijhoff.
84. Zhang, Y. (2025). "**Developing a Climate Litigation Framework: China's Contribution to International**", Ecological Civilization, Vol.2, No.1.
85. Zhu, M. (2023). "**Climate Litigation in a 'Developmental State: The Case of China**", Chinese Journal of Environmental Law, Vol.7, No.1.

Documents and Judicial Opinions

86. ACHR. (2012). Communication No. 155/96, Social and Economic Rights Action Centre v. Nigeria (Ogoniland case); SERAP v. Nigeria, Court of Justice of the Economic Community of West African States, Judgement No. ECW/CCJ/JUD/18/12.
87. Asghar Leghari V Federation of Pakistan, In The Lahore High Court Lahore High Court Justice Judicial Department, Judicial Decisions, Case No: W.P. No. 25501/2015.
88. CHRP. (2022). Petition of Greenpeace Southeast Asia and Others v. the Carbon Majors, Republic of the Philippines, Commission on Human Rights, Judicial Decisions, Diliman, Quezon City.
89. DCEE. (2025). Climate Action Plan 2025, Publications: Department of Climate, Energy and the Environment, Report, Ireland: Dublin.
90. ECrtHR. (2024). Verein KlimaSeniorinnen Schweiz and Others v. Switzerland [GC]-53600/20, Judicial Decisions, European Court of Human Rights.
91. Government of India (2022).India's updated NDC, India's Updated First Nationally Determined Contribution UnderParis Agreement (2022-2030), Report, Submission to UNFCCC.
92. HRC. (2009). Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the Relationship Between Climate Change and Human Rights, Report, A/HRC/10/61.
93. HRC. (2017). Analytical Study on the Relationship Between Climate Change and the Full and Effective Enjoyment of the Rights of the Child-Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 35th, Report, A/HRC/35/13.
94. IACrtHR. (2025). Advisory Opinion 32 of 2025: Climate Emergency and Human Rights, Requested by the Republic of Chile and the Republic of Colombia, Inter-American Court of Human Rights (IACtHR), Advisory Opinion OC-32/25 OF 29.
95. IACtHR. (2023). La Oroya Population v. Peru (La Oroya v. Peru) Inter-American Court of Human Rights, Judicial Decisions, Case 12.718.
96. ICJ. (2025). International Court of Justice Advisory Opinion finds States have Binding Legal Obligations to address Climate Change, Advisory Opinion, General List No.187.

97. Irish High Court. (2019). Friends of the Irish Environment CLG v the Government of Ireland, Ireland and the Attorney General (IEHC 747), Judicial Decisions.
98. Irish Supreme Court. (2020). Friends of the Irish Environment CLG v the Government of Ireland, Ireland and the Attorney General (Appeal No: 205/2019), Judicial Decisions.
99. IUCN. (2016). World Conservation Congress Honolulu, Hawai'i,United States of America 6-10 September 2016, WCC-2016-Res-079-EN, Request for an Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Principle of Sustainable Development in View of the needs of future generations, Report.186p.
100. Johannesburg Plan. (2002). Report of the World Summit on Sustainable Developmen, Johannesburg, South Africa, 26 August4 September 2002, UN Doc A/CONF.199/20, Report, ch I pt 2 annex.
101. Kyoto Protocol. (1997). Adoption of the Kyoto Protocol to the United Nations FCCC, FCCC/CP/1997/7/Add.1, Decision 1/CP.3, Documents, art.3
102. M K Ranjitsinh & Ors. v Union of India & Ors. Supreme Court of India, Writ Petition (Civil) No. 838 of 2019 with Civil Appeal No. 3570 of 2022 (judgment) (21 March 2024).
103. NGT. (2017). Ridhima Pandey v. Union of India, National Green Tribunal, Original Application, Judicial Decisions, No.187.
104. Oil Change International and Zero Carbon Analytics. (2023). Big Oil in Court-The Latest Trends in Climate Litigation against Fossil Fuel Companies, Analytical Review, Accessible at: https://oilchange.org›publications, Pdf.
105. Paris Agreement. (2016). Report of the Conference of the Parties on its twenty-first session, held in Paris from 30 November to 13 December 2015, Adoption of the Paris Agreement, FCCC/CP/2015/10/Add.1, Documents, Decision 1/CP.21.
106. PEP. (2024). Philippine Energy Plan (PEP) Philippines (2024), Issued by: Senate of the Philippines, Source: Department of Energy, Document Type: Plan/Strategy.
107. Rio Declaration. (1992). Rio Declaration on Environment and Development'[Rio Declaration], Documents, UN Doc A/CONF.151/26.
108. RWE. (2022). Agreement on Coal phase-out 2030 and Strengthening Security of Supply in the Energy Crisis, Press Release, RWE Aktiengesellschaft, Group Corporate Communications & Public Affairs, Documents, RWE Platz 1, 45141 Essen, Germany.
109. Supreme Court Of India. (2025). Ridhima Pandey v. Union of India, Civil Appeal No(s). 388/2021, ITEM No.41, Court No.11, Section XVII, Judicial Decisions.
110. UN.GA Res. (1988). General Assembly Resolution 43/53 on Protection of Global Climate for Present and Future Generations of Mankind, 6th December 1988 (UN Doc A/RES/43/53), OXIO 750.
111. UNEP. (2024). Draft Resolution on promoting Sustainable Lifestyles, United Nations Environment Assembly of the United Nations Environment Programme, Sixth session, Nairobi, Resolution, UNEP/EA.6/L.11.
112. UNFCCC. (2019). Warsaw International Mechanism for Loss and Damage associated with Climate Change Impacts and its 2019 Review, Documents, Decision 2/CMA.2.
113. UNGA Res. (2023). Request for an Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Obligations of States in Respect of Climate Change, Seventy-Seventh Session, Report of the International Court of Justice, Documents, UN Doc A/RES/77/276.
114. United Nations. (2025).Tipping points: Human Rights Defenders, Climate Change and a just transition, A/80/114.
115. Urgenda Foundation v. The State of the Netherlands, ECLI: NL: GHDHA: 2018: 2610, Judgment, Judicial Decisions, (Ct. App. The Hague Oct. 9, 2018).
116. Urgenda Foundation v. The State of the Netherlands, ECLI: NL: RBDHA: 2015: 7196, Judgment, Judicial Decisions (Dist. Ct. The Hague June 24, 2015).
117. Urgenda Foundation v. The State of the Netherlands,, ECLI: NL: HR: 2019: 2007, Judgment, Judicial Decisions(Sup. Ct. Neth. Dec. 20, 2019).